





فهرست

۳.....مقدمه چاپ چهارم.....

۸.....پیشگفتار.....

بخش اول

۱۰.....پیدایش شطرنج.....

۱۰.....واژه شطرنج.....

۱۴.....تاریخ شطرنج در اسلام.....

۱۷.....ماجرای دانه های گندم.....

۲۰.....چکیده بخش اول.....

بخش دوم

۲۴.....شطرنج از دیدگاه قران کریم.....

بخش سوم

۳۰.....شطرنج از دیدگاه روایات.....

۴۰.....یزید و شطرنج.....

۴۴.....چکیده بخش سوم.....

بخش چهارم

- ۴۶.....شطرنج از دیدگاه شطرنج بازان.....
- ۴۹.....روان شناسی شطرنج.....
- ۵۳.....حالت شطرنج با بعد از باخت.....
- ۵۰.....تقدیم همسر برای باخت در شطرنج.....
- ۵۵.....عاقبت شطرنج باز.....
- ۵۹.....طولانی ترین بازیها.....
- ۶۰.....قمار بزرگترین عامل هیجان.....
- ۶۴.....شطرنج با کامپیوتر.....
- ۶۵.....چکیده بخش چهارم.....

بخش پنجم

- ۶۶.....شطرنج از دیدگاه فقه و فقها.....
- ۶۹.....دو شرط اساسی برای جواز شطرنج.....

بخش ششم

- ۷۵.....شایعه تجویز شطرنج از ناحیه امام خمینی.....
- ۷۶.....تشریح پاسخ امام در مورد شطرنج.....
- ۸۰.....استفتائات پیرامون شطرنج از سایر مراجع تقلید.....

چکیده بخش ششم.....۷۷

مقدمه چاپ چهارم

با لطف و کرم خداوندی و عنایات و توجهات ذات مقدس معصومین استقبال و تشویق گسترده مردم حق جو، نهادها و مراکز علمی و آموزشی از این نوشتار و چاپ مکرر آن در مدت کمتر از یک سال نگارنده را بر آن داشت که چاپ چهارم آنرا با تجدید نظر و اضافات به جامعه فرهنگی قدیم دارد.

هدف از این نوشتار اولاً: بیان یکی از احکام اسلامی است که به بهانه‌های مختلف دستخوش تغییر و تحریف قرار گرفته است. ثانیاً: دفاع از مرجعیت و رهبری انقلاب، حضرت امام خمینی(ره) است که عده‌ای ناآگاهانه و بعضاً مغرضانه تجویز شطرنج را به ایشان نسبت دادند.

تنها خواهشی که از خوانندگان عزیز دارم آن است که کتاب را بدون پیش داوری ذهنی نسبت به شطرنج - نه با ذهنیت جواز و نه حرمت- مطالعه کنند تا بتوانند بیشترین بهره را ببرند چرا که ما درصدد بیان حق هستیم و این حکم واقعی شطرنج چیست نه این که جامعه ما چه گونه می‌پندارد. به تعبیر دیگر این کتاب درصدد جستجوی حق است نه اثبات حقانیت آن چه هست.

الگوی ما در این نوشتار سخن امیرالمومنین علی(ع) است که فرمود:

اعرف الحق تعرف اهله

حق را بشناس تا اهل حق را بشناس

امید است اضافات و اصلاحات این چاپ به خصوص ارائه چکیده هر بخش ، بهره‌وری از کتاب را ساده تر و بیشتر نموده باشد و بتواند پاسخگوی سوالات فراوان شما عزیز خواننده باشد.

در فاصله چاپ اول تا آماده سازی کتاب برای چاپ چهارم اساتید و دوستان بذل محبت نموده و نظریات را مطرح کردند که در بسیاری موارد با دقت در بخش های دیگر کتاب قابل حل و پاره‌ای از نظریات نیز به جا و مناسب بود که در محل خودش درج گردید.

نگارنده خوشحال می‌شود اگر سایر اندیشمندان و صاحبان درایت کتاب را با دید نقادی به معنای صحیح و ادبی آن مطالعه نموده و نظرات اصلاحی خود را ارسال دارند تا ان شاءالله در چاپهای بعد مد نظر قرارگیرد.

سعید رمزی

مشهد مقدس - ۱۳۸۴

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على محمد و آله طاهرين و لاسيما مولانا بقيه الله في

الارضين و لعنة الله في الارضين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين

مدتی است که مساله‌ای به ظاهر ساده ولی شایع و فراگیر ذهن مرا به خود مشغول کرده است ، موضوعی که از جهات مختلف شایسته تحقیق و بررسی است و در نظر اکثر مردم از وضوح و روشنی قانع کننده‌ای برخوردار نیست.

آیا یک نوع ورزش فکری و یا به تعبیری تقویت فکر است؟

آیا قبل از اسلام نیز وجود داشته؟

آیا از آلات قمار به حساب می‌آید؟

بازی با آن از نظر فقها و مراجع چه حکمی دارد؟

آیا قهرمانان این رشته خوشبخت بوده‌اند؟

آیا کسی توانسته است از این طریق به تخصص های علمی دست یابد؟

آنان که به این بازی مداومت دارند درباره آن چه نظری دارند؟

روانشناسان در ارتباط با آن چه می‌گویند؟

آیا درست است که مرحوم امام خمینی (ره) بازی با آن را جایز دانسته‌اند.

و آیا و آیاهای دیگر...

این سوالات پیرامون شطرنج نه تنها ذهن نگارنده را به تامل واداشته که چنین به نظر میرسد اکثریت مردم نیز اطلاع درستی در مورد آن ندارند پس از جستجو و کندو کاو دریافتم کتابی که این موضوع را از جهات

مختلف بررسی کرده و برای اقشار مختلف جامعه قابل استفاده باشد وجود ندارد. بدین جهت درصدد برآمدم این موضوع را از زوایای مختلف تاریخی، قرانی، روایی، فقهی، هنری و روانی بررسی نمایم تا ابهامات موجود برطرف شده علاوه بر اقناع نفس، روشنی افکار عمومی را به دنبال داشته باشد. ان شاءالله.

طبیعی است که این نوشتار خود را درگیر بحث‌های تخصصی و دقیق پیرامون شطرنج نکرده است زیرا هدف بیان مطلب با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم طبقات جامعه بوده است درعین اختصار کوشش شده دایره بحث و نظر همه جوانب موضوع را در برگیرد تا مطالعه کنندگان عزیز درخاتمه کتاب اطلاعی عمومی و شامل نسبت به این امر پیدا کنند.

امید است که توانسته باشیم خدمتی هرچند ناچیز به ساحت مقدس دین و احکام شریعت نموده باشیم.

اگرچه مطالب دفتر حاضر برگرفته از تاریخ و قران و روایات و احکام شریعت مقدس اسلام است با وجود این اگر موردی به نظر خوانندگان ناهمگون جلوه نمود و یا در جای مناسب خود نبود نگارنده با کمال امتنان پذیرای راهنمایی صاحب نظران خواهد بود.

بخش اول

پیدايش شطرنج

واژه شطرنج

تفسیرها و معای گوناگونی که در لغت نامه‌ها برای شطرنج و واژگان آن آمده است، گواه آن است که واژه شطرنج معرب «شترنگ» فارسی، واز ریشه پهلوی «چترنگ» می‌باشد.^۱

بعضی گفته اند: شطرنج در اصل «شتورنگا» بوده که یک لفظ هندی است و از دو لفظ «شتو» به معنای چهار و «رنگا» به مفهوم بخشی از سپاه، ترکیب شده است که معنای حقیقی آن، چهار ستون لشکر است که در صفحه شطرنج به صورت فیل و اسب و ارابه جنگی و پیاده نشان داده شده است. بعد از حمله اسکندر به هند «ارابه جنگی» به علت عدم کارایی منسوخ شد و «رخ» یا «قلعه» جایگزین آن شد.^۲

به نظر «جونز»^۳ شتورنگا در قرن هشتم میلادی به ایران آمد و به مقتضای لهجه ایرانی تبدیل شد به شترنگ گردید. پس از آمدن تازیان به ایران و غلبه زبان عربی، شترنگ معرب گردید و شطرنج شد.^۴

صفحه شطرنج

شطرنج یک بازی دونفره است که بر روی صفحه ای مربع شکل انجام می‌شود.

این صفحه از هشت خط عمودی که با حروف لاتین نام گذاری شده و به آنها ستون گفته می‌شود، و هشت خط افقی که با اعداد شماره گذاری شده و ردیف نامیده می‌شود، تشکیل شده است و دارای ۶۴ خانه سیاه و سفید است که هر خانه با یک حرف که نشان دهنده ستون و یک عدد که نشان دهنده ردیف است، مشخص می‌شود.

^۱ نقدی وند، شطرنج از دیدگاه تاریخ و ادبیات، انتشارات کلیدر، تهران، ۱۳۸۱، ص ۵۱

ربرت، ریچارد، شطرنج را از پایه بیاموزید، ترجمه قربان سیف پورو محمد رفیع پور، نشر ترمه، تهران، ۱۳۷۵، ص ۵.

^۳ Jones

^۴ سعیدیان، عبدالحسین، دائرة المعارف اختراعات و اکتشافات، انتشارات علم و زندگی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۷۸۷.

در این بازی ۳۲ مهره - ۱۶ مهره سفید و ۱۶ مهره سیاه که به اختصار سیاه و سفید نامیده میشوند - وجود دارد که یک نفر صاحب مهره‌های سفید و دیگری حکمران مهره‌های سیاه است و هر لشکر دارای شانزده جنگجو - یک شاه، یک وزیر، دو رخ، دو فیل، دو اسب، هشت پیاده یا سرباز - می‌باشد.^۵ اسامی مهره‌ها براساس تاریخچه شطرنج، برگرفته از اصطلاحات نظامی می‌باشد و در طول تاریخ اکثر شاهان و دولتمردان با آن سرگرم می‌شده‌اند .

مهره‌ها به ترتیبی خاص در خانه‌های صفحه شطرنج چیده شده و حرکت می‌کنند که در کتب مربوط ثبت است .

هدف بازی، مات کردن شاه حریف است، یعنی چنان مورد حمله و محاصره قرار گیرد که نتواند حرکتی انجام دهد. برنده بازی کسی است که بتواند شاه حریف را کیش دهد و سرانجام مات کند.

پیدایش شطرنج

با پژوهش‌های بسیاری که درباره پیدایش شطرنج و مخترع آن، به ویژه در قرن کنونی، به عمل آمده است، تاکنون هیچ یک از پژوهشگران به نتیجه قطعی و روشنی دست نیافته‌اند و اختراع آن را به تفاوت به هندیان، رومیان، مصریان، یونانیان، چینیان، ایرانیان، و... نسبت داده‌اند.

نظر عمده کنونی بر آن است که شطرنج در هند اختراع شد. شواهدی چند در تایید این نظریه در دست است: در لغت نامه دهخدا آمده است که:

گویند چون «طلحند» پسر «مای هندی» در جنگ با «گو» پسر عم و برادر امی خود، بر سر تاج و تخت کشته شد و مادر او از مرگش بیقرار گشت، گروهی از دانشمندان هندی شطرنج را اختراع کردند تا این زن بدان سرگرم

^۵ اقتباس از کاسپاروف، گری، درسهایی از شطرنج، برگردان حمیدرضا بلوچ و حسن هندی زاده، نشر پیکان، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱-۵.

گردد و مرگ فرزند را از یاد ببرد.^۶ هرچند مولف همین لغت نامه در لفظ شطرنج ادعای هندیان در اختراع شطرنج را عاری از حقیقت می‌داند.

به روایت فردوسی در شاهنامه، در زمان خسرو اول انوشیروان، سفیری از هند با هدایای فراوان و از جمله شطرنج به ایران آمد و از خسرو خواست که دانشمندان ایران رمز بازی شطرنج را بگشایند، و در صورتی که از عهده برنیایند وی از تقدیم هدایا معذور خواهد بود. خسرو هفت روز مهلت خواست. در این مدت هیچ یک از فرزنانگان دربار ساسانی به فهم آن نائل نیامدند جز بزرگمهر که راز شطرنج گشود و سپس سفری به هند رفت و بازی نرد را که خود اختراع کرده بود، به هندیان عرضه داشت.^۷

در سال ۱۶۹۴ میلادی «توماس هاید»^۸ کتابی به زبان لاتین نوشت و شطرنج را از هند دانست.^۹ در اواخر قرن نوزدهم «آی نزو»^{۱۰} با استناد به اسناد و مدارک سانسکریت - که متعلق به هیجده قرن پیش است - احتجاج کرد که شطرنج در قدیم الایام در هند بازی می‌شده و شتورنگا نام داشته است.^{۱۱} در واژه شطرنج به این مطلب اشاره شد.

«دونالد لدیل»^{۱۲} در کتاب خود «مهره‌های شطرنج»^{۱۳} نیز بر این باور صحنه می‌گذارد.^{۱۴} موید مطالب فوق داستان دانه‌های گندم «سیسا» است که در صفحات بعدی خواهد آمد.

^۶.دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱، لفظ طلحند.

^۷.سعیدیان، عبدالحسین، دائرة المعارف اختراعات و اکتشافات، ص ۷۸۸.

^۸.Tomas Hyd.

^۹.یکتایی، مجید، تاریخ شطرنج، انتشارات فدراسیون شطرنج ایران، تهران، ۱۳۵۰، ص ۷۸۷.

^{۱۰}.W.Ineso.

^{۱۱}.سعیدیان، عبدالحسین، دائرة المعارف اختراعات و اکتشافات، ص ۷۸۷.

^{۱۲}.Donald Liddel.

^{۱۳}.Chess men.

^{۱۴}.ربرت، ریچارد، شطرنج را از پایه بیاموزید، ص ۵

با وجود آنچه گفته شد، بعضی دیگر از مورخین، اختراع شطرنج را به ایرانیان نسبت می‌دهند. صاحب کتاب «سیر شطرنج ایران در جهان» ادعا میکند که مدارک مستند تاریخی گواه آن است که ایرانیان قبل از دوران ساسانیان، یعنی نزدیک به دو هزار قبل، با شطرنج آشنا بوده‌اند.^{۱۵} علاوه، ریشه یابی واژگان شطرنج و اسامی مهره‌ها بر پایه اصول و قواعد زبان شناسی نیز چنین حکم می‌کند که شطرنج از ایران به هند رفته نه این که از هند به ایران آمده باشد.^{۱۶}

«مسعودی» مورخ ایرانی (متوفی ۳۲۵ ق) در تاریخ خود اعتقاد دارد که شطرنج مدتها پیش از زمان او در ایران بازی می‌شده است.^{۱۷} از این جهت می‌توانیم عمر شطرنج در ایران را بالغ بر هزار سال به حساب آوریم. همچنین «هرتسفلد»^{۱۸} آلمانی که مدتی در تخت جمشید و دامغان کاوش می‌کرده، اظهار کرده است که پیش از انوشیروان نیز شطرنج در ایران وجود داشته است.^{۱۹} و بالاخره در سال ۱۸۵۰ میلادی «بلاند»^{۲۰} انگلیسی کتابی به نام «شطرنج ایرانی»^{۲۱} انتشار داد. وی در آن کتاب ثابت کرده که شطرنج به وسیله ایرانیان ابداع و به هند برده شد و قرن‌ها بعد به ایران بازگشت و از طریق ایران به اروپا رسید.^{۲۲}

تاریخ شطرنج در اسلام

در دوره اسلامی شطرنج در دربار خلفا خاصه خلفای عباسی رواج زیادی پیدا کرد. در زمان دومین خلیفه عباسی، ابوجعفر منصور علوم و فنون مرسوم آن روزگار رو به پیشرفت نهاد. وی از هوش بالایی برخوردار بود

^{۱۵} نوابی، عبدالحسین، سیر شطرنج ایران در جهان، انتشارات شبابیز، تهران، ۱۳۷۸، ص ۵.

^{۱۶} همان، ۱۷-۲۴.

^{۱۷} یکتایی، مجید، تاریخ شطرنج، ص ۱۵۲.

^{۱۸} Herasold.

^{۱۹} یکتایی، مجید، تاریخ شطرنج، ص ۱۳۲.

^{۲۰} Bland.

^{۲۱} Persian Chess London.

^{۲۲} سعیدیان، عبدالحسین، شطرنج ایران در جهان، ص ۳۱.

و به سبب همی ویژگی سخت به ایرانیان گرایش پیدا کرد تا آن جا که بیشتر مناصب و مشاغل عالی دربار را به آنها سپرد. از جمله آثار این نفوذ، جلب نظر وی به شطرنج بود.^{۲۳}

بعد از منصور در سال ۱۵۸ ق. پسرش المهدی به خلافت نشست. او در آغاز حکومت در پیامی به مردم مکه، شطرنج را به بهانه این که انسان را از یاد خدا غافل می سازد ممنوع کرد ولی به رغم این دستور حتی در دربار وی هم شطرنج خالی از رونق نبود.^{۲۴} با روی کار آمدن هارون، پنجمین خلیفه عباسی در سال ۱۷۰ ق. نوابی، عبدالحسین، سیرشطرنج ایران در جهان، شطرنج گسترش چشمگیری پیدا کرد، به طوری که در عهد وی برای استادان شطرنج مقرری هم معلوم کرده بودند.^{۲۵} زندگی شخصی وی نیز خالی از شطرنج نبود چنان که بازی او با همسرش زبیده، مادر امین، و همبستری او با کنیز مطبخی و وجود آمدن مامون این مطلب را تایید می کند.

صاحب منتخب التواریخ می نویسد:

یک روز مامون، زبیده، مادر امین را دید که لبهائش تکان می خورد و چیزی می گوید. مامون گفت: ای مادر، آیا مرا نفرین می کنی چون پسر محمد امین را کشته ام؟ گفت: نه به خدا قسم. گفت: پس چه می گفتی؟ گفت: مرا معذور بدار.

مامون اصرار کرد. زبیده گفت: با خود متذکر این مطلب بودم که یک روز من با پدرت هارون الرشید مشغول بازی شطرنج بودیم به شرط اینکه هرکس در بازی غالب شود، طرف مقابل باید به خواسته او عمل کند. اتفاقاً پدرت غالب شد و از من خواست در پیش او عریان راه بروم، و من هم ناچار به اطاعت شدم، ولی عصبانی و خشمگی بودم. با همان شرط، درخواست تجدید بازی را نمودم و این دفعه من غالب شدم. به پدرت گفتم: باید هم اکنون بروی در مطبخ و با «مراجل» که قبیح ترین و بدشکل ترین کنیزان است، درآمیزی! پدرت هرچه

^{۲۳}. نوابی، عبدالحسین، سیرشطرنج ایران در جهان، ص ۳۱.

^{۲۴}. نوابی، عبدالحسین، سیرشطرنج ایران در جهان، ص ۳۲.

^{۲۵}. همان، ص ۳۳. ب

اصرر و التماس کرد که او را از این کار معاف دارم و حتی حاضر شد خراج یک ساله مصر را تماما به من بدهد ولی من نپذیرفتم و در خواسته خود پافشاری کردم. ناچار پدرت با آن کنیز همبستر شد و نطفه تو منعقد شد، پس در واقع خودم سبب برای قتل پسر من بودم.^{۲۶}

بعد از هارون فرزند دوم وی، محمد امین در سال ۱۹۳ ق. به خلافت رسید. او به شطرنج علاقمند بود و در این زمینه تبحر فراوانی داشت به طوری که در اسرار کشور نابغه ها و استادان شطرنج را می جست و آنان را غرق در عطایا می کرد و بهترین ساعات عمر خود را هنگامی می دانست که به بازی شطرنج مشغول بود. طبیعی است که در دوران خلافت او کار شطرنج به افراط کشانده شود، به طوری که نقل میکنند: هنگامی که بغداد به سبب اختلاف بین امین و برادر بزرگتر وی ، مامون ، دچار وضعی بحرانی شده بود و لشکریان مامون تا حوالی شهر پیشروی کرده بودند و هر لحظه احتمال تسخیر و سقوط شهر می رفت کسی نزد امین می آید که او را از اوضاع آگاه کند ولی چنان وی را غرق در شطرنج می بیند که بی اختیار فریاد می زند: ای فرمانده بزرگ، اکنون وقت شطرنج نیست هنگام استغاثه است ! امین در پاسخ با خونسردی می گوید: صبر داشته باش دوست من مگر نمی بینی تا چند حرکت دیگر به حریف کیش و مات خواهیم گفت.^{۲۷}

مامون بعد از برادرش در سال ۱۹۶ ق . خلافت را آغاز کرد و اگرچه خودش در شطرنج مهارت چندانی نداشت ولی استادان شطرنج را گرامی می داشت و همواره در کنار وی عده ای از استادان و بزرگان شطرنج جمع بودند. در عهد وی بود که برای اولین بار القابی برای شطرنج بازان وضع شد که از جمله آنها لقب «عالیه» بود.

روی هم رفته در زمان وی شطرنج به حدی رواج یافت که به صورت جزئی از حیات عامه درآمد و به نماد آن دوران تبدیل شد.^{۲۸} اگر چه شطرنج در دوران عباسیان رواج چشمگیری پیدا کرد، باید توجه داشت که این بازی

^{۲۶}. خراسانی، محمدهاشم، منتخب التواریخ، موسسه مطبوعاتی علمی، تهران، ۱۳۵۲، ص ۵۰۴.

^{۲۷}. نوابی، عبدالحسین، سیر شطرنج ایران در جهان، ص ۳۵.

^{۲۸}. نوابی، عبدالحسین، سیر شطرنج ایران در جهان، ص ۳۶.

قبل از عباسیان نیز در دربار خلفا و امرا مرسوم بوده است چنان که شطرنج بازی یزید در کنار سر مقدس ابا عبدالله الحسین (ع) گواه بر این مطلب است که در بخش روایات به آن اشاره خواهیم کرد.

پس از انقراض خلافت عباسیان کانون فعالیت شطرنج به سوریه، ترکیه و مصر کشانده شد و در بین مغولها معمول گردید و به تدریج از خاورمیانه به داخل اروپا گسترش پیدا کرد.^{۲۹}

ماجرای دانه های گندم

در این جا بی مناسبت نیست که به داستان دانه های گندم سیسا، مخترع شطرنج که در بعضی کتب آمده است، اشارتی بنماییم. در آغاز سده پنجم میلادی در سرزمین هند پادشاه جوانی می زیست که نام او «دیپ سرم» یا «شروم» بود. برخی از ندیمان و اطرافیان این پادشاه با توجه به نآزمودگی و احساسات جوانی وی، به فکر تحقق اغراض و آرمان های پست خود بودند و او را به تدریج به خوشگذرانی و تباهکاری سوق می دادند به طوری که شاه جوان از مسائل کشورداری و رعایت حال رعایا غافل ماند و کار مملکت رو به خرابی و نا به سامانی نهاد. گروهی از عاقلان و بزرگان قوم در جستجوی راهی بودند تا بتوانند شاه را از این مسیر بازدارند، ولی کسی را یارای نزدیکی به شاه و چاره جویی نبود. بالاخره برهمنی دانشمند به نام «سیس» پسر «داهیرا» که نام او را «صه» یا «سیسک» هم نوشته اند به قصد خلاصی پادشاه از این ورطه و سوق دادن او به یک سرگرمی و اشتغال تازه به اختراع شطرنج دست زد و آن را به سلطان هدیه کرد. شاه جوان از این بازی بسیار خوشش آمد و از جوانب عقلی و تنوع حالات ممکن آن به وجد آمد و از سیسا خواست راه بازی را به او بیاموزد و در مقابل اختراع خود پاداشی بخواهد. در ضمن خاطرنشان کرد: من به قدر کافی ثروتمند هستم و میتوانم حتی بزرگترین خواهش تو را برآورم. ولی چون سیسا ساکت بود پادشاه به وی جرات داد و گفت: ترس به خود راه مده و خواهشت را بگو، من از هیچ چیز دریغ نمی کنم و خواسته تو را برآورده می سازم. سیسا گفت: ای پادشاه، رافت و مهربانی تو زیاده از حد است، به من مهلت بده تا فردا فکر کنم و بعد تقاضای خود را معروض بدارم. روز دیگر که سیسا در دربار حاضر شد، با خواهش ساده و ناچیزش پادشاه را متحیر ساخت. وی یک دانه گندم در خانه

^{۲۹}. ربرت، ریچارد، شطرنج را از پایه بیاموزید، ص ۷.

اول صفحه شطرنج گذاشت و گفت: امر کنید همین را به من بدهند، ولی در خانه دوم ۲ دانه ، و از بابت خانه سوم ۴ دانه، و خانه چهارم ۸ دانه و خانه پنجم ۱۶ دانه و در ششمین خانه ۳۲ دانه و در... پادشاه با تغییر حرف اورا قطع کرده و گفت: بس است... تورا از بابت ۶۴ خانه صفحه شطرنج گندم می خواهی یعنی بابت هر خانه دو برابر خانه قبلی اما بدان که خواهش محقر تو شایسته سخاوت پادشاهی چون من نیست و تو با چنین درخواست ناچیزی، محبت مرا گستاخانه نادیده میگیری... حالا برو... افراد من کیسه گندمی برایت خواهند آورد. سیسا با تبسمی پرمعنا تعظیم کرد و تالار را ترک گفت و دم دروازه قصر به انتظار ایستاد. همان روز سر سفره نهار، پادشاه مخترع شطرنج را به یاد آورد و پرسید: آیا سیسا پادشاه ناچیز خود را دریافت کرد یا خیر؟ گفتند: اعلیحضرتا، فرمان تو در دست اجراست و ریاضی دانهای دربار مشغول محاسبه تعداد گندم ها هستند. شاه ابرو درهم کشید، چون عادت نداشت که اوامرش به این کندی اجرا گردد. همان شب قبل از این که پادشاه بخواهد بار دیگر از سیسا و کیسه گندمش سوال کرد. باز به عرض رساندند که ریاضی دانان قصر به طور خستگی ناپذیر کار می کنند و امید دارند تا فردا صبح محاسبه را به پایان برسانند. این بار پادشاه سخت به خشم آمد و فریاد زد: چرا این کار را به تاخیر انداخته اند؟ فردا قبل از این که من بیدار شوم باید گندمها به سیسا داده شده باشد، من دو مرتبه امر نمی کنم. فردا صبح به پادشاه خبر دادند که سرپرست ریاضی دانان دربار می خواهد گزارش مهمی به عرض برساند وقتی ریاضیدان پیر به حضور شروم رسید، گفت: اعلیحضرتا، به فرمان تو ما در کمال دقت و صداقت تعداد گندم های درخواستی سیسا را محاسبه کردیم و معلوم شد برآوردن چنین خواهشی از قدرت تو خارج است، چون نه تنها در انبارهای مملکت، بلکه در تمام انبارهای دنیا این مقدار گندم وجود ندارد و محصول گندم همه جهان هم در چندین سال متمادی لازم است تا بتوان آنرا فراهم آورد و این رقم به شرح ذیل است: {یک عدد بیست رقمی} 18446744073709551615 پادشاه هند در مقابل

۳۰. با فرمول تصاعد هندسی $\{s=2^{64}-1/2-1=2^{64}-1\}$ و با توجه به لگاریتم، عدد فوق به دست می آید)
صادق رحمانی، عبدالرحمن، آذربازی- بررسی ها و شگفتی های شطرنج، انتشارات دنیا، تهران، ۱۳۷۴، ص

(۳۱۴)

این رقم بزرگ و مقدارگندم سرسام آور و از طرف دیگر در برابر تعهد خود نسبت به اعطای جایزه به سیسامیهوت و عاجز ماند.^{۳۱}

برای دریافت عظمت این رقم و نشان دادن مقدار گندم درخواستی سیسا، به دو محاسبه زیر توجه نمایید:
هر ۲۵ دانه گندم در حدود یک گرم وزن دارد که هر ۲۵۰۰۰ دانه آن معادل یک کیلوگرم خواهد بود. حال اگر فعلی کره زمین را شش میلیارد نفر فرض کنیم و هرنفر روزانه یک کیلوگرم گندم مصرف نماید، گندم های درخواستی سیسا جوابگوی ۳۳۷ سال مصرف جهان- با شش میلیارد جمعیت خواهد بود.^{۳۲} و اگر مصرف روزانه هر نفر نیم کیلو گندم فرض شود عدد فوق به ۶۷۴ سال افزایش خواهد یافت.

اگر فرض کنیم برای شمارش هردانه گندم یک ثانیه وقت لازم باشد، به حساب دقیق در ۲۴ ساعت شبانه روز فقط می شود ۸۶۴۰۰ دانه گندم را شمارش نمود که این شمارش در یک سال به عدد ۳۱۵۶۳۰۰۰ خواهد رسید و شمارش یک میلیارد گندم بالغ^{۳۳} بر ۳۱ سال به طول خواهد انجامید. بنابراین شمارش گندم های درخواستی سیسا بیش از صد میلیارد طول می کشید و اگر پادشاه از ریاضیات سررشته ای داشت می توانست برای رهایی از این درخواست سیسا به او دستور دهد که خود شخصا دانه های گندم درخواستی را شمارش و

^{۳۱}. صادق رحمانی، عبدالرحمن، آخربازی- بررسی ها و شگفتی های شطرنج، انتشارات دنیا، تهران، ۱۳۷۴، ص ۳۱۱.

^{۳۲}. طریقه محاسبه از قرار ذیل است: $۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ = ۲۵۰۰۰ \times ۶۰۰۰۰۰۰۰۰$
تعداد گندم مصرفی یک روز جهان: $۵۴۷۸۰۰۰۰۰۰۰۰ = ۳۶۵ \times ۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰$
تعداد گندم مصرفی یک ساله جهان: $۳۳۷ = ۵۴۷۵۰۰۰۰۰۰۰۰ / ۱۸۴۴۶۷۴۴۰۷۳۷۰۹۵۵۱۶۱۵$
^{۳۳} برای روشن شدن مفهوم میلیارد باید توجه کنید اگر یک میلیارد مداد در امتداد یکدیگر قرار بدهیم بیش از چهار مرتبه کره زمین را که محیط آن چهل هزار کیلومتر است دور خواهد زد یعنی حدود ۱۶۰ هزارهکتار خواهد شد. (نوری همدانی، حسین، دانش عصر فضا، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۵ چاپ دوم ص (۲۶)

تحويل گیرد. البته توجه دارید که تعداد گندم قابل شمارش در صد میلیارد سال یک عدد ۱۹ رقمی می باشد^{۳۴} در حالی که تعداد گندم های درخواستی سیسا یک عدد ۲۰ رقمی بود.

چکیده بخش اول

واژه شطرنج: شطرنج برگردان عربی «شترنگ» فارسی و یا «شتورنگا»ی هندی است .

پیدایش شطرنج: در باب پیدایش شطرنج دو نظریه اساسی وجود دارد: نظر عمده کنونی بر آن است که شطرنج دو نظریه اساسی وجود دارد: نظر عمده کنونی بر آن است که شطرنج اختراع هند است، ولی بعضی از مورخین بر آنند که شطرنج در ایران اختراع و سپس به هند برده شد، و پس از آن از طریق ایران به اروپا راه یافت. علاوه بر این ، بعضی اختراع آن ا به روم، مصر، یونان و چین هم نسبت داده اند. تاریخ شطرنج در اسلام: شطرنج در دوران خلفای به اصطلاح اسلامی رواج زیادی داشت به طوری که یزید بر روی سر مطهر حسین بن علی بساط شطرنج پهن میکند. هارون برای اساتید شطرنج حقوق ویژه تعیین می کند. و پس از باخت در شطرنج مقابل زبیده به درخواست او با کنیز مطبخی همبستر می شود و مامون حاصل این بازی و شرط ناپسند است. مامون برای اولین بار القابی چون «عالیه» برای شطرنج بازان وضع میکند. امین بهترین ساعات عمر خود را هنگام بازی شطرنج می دانست و شطرنج بازان را غرق هدایا و بخشش ها می کرد.

پس از انقراض خلافت عباسیان کانون فعالیت شطرنج به سوریه و ترکیه و مصر کشانیده شد و به تدریج از خاورمیانه به داخل اروپا گشترش یافت.

^{۳۴} .تعداد قابل شمارش در صد میلیارد سال عدد (۳۱۵۳۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) است که از ضرب عدد ۳۱۵۳۶۰۰۰ در ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ بدست می آید.

بخش دوه

شترنچ از دیدگاه قران کریم

قبل از ورود در بحث و بررسی بازی شطرنج از نظر قران و روایات و فتاوی فقها مناسب است این مطلب را بررسی کنیم که اصولا ملاک و معیار حرام بودن یک بازی در شرع مقدس اسلام چیست.

طبق آنچه که از کلمات اکثر فقهای عظام استفاده میشود ملاک و مناط حرمت یک بازی در شرع مقدس یکی از دو امر است به طوری که اگر یکی از این دو امر و به طریق اولی هر دوی آنها در یک بازی باشد از نظر شرع مقدس اسلام آن بازی حرام می‌باشد.

بازی با یکی از آلات قمار

یعنی بازی با یکی از آلاتی که به عنوان آلت قمار در جامعه معروف و در بین مردم به این عنوان شناخته شده است.

شرط بندی و برد و باخت در بازی

یعنی دو طرف بازی با یکدیگر شرط کنند که هر کدام بر دیگری غالب شود(برنده شود)مبلغی را یا چیزی را که دارای ارزش است، از شخص بازنده دریافت کند، که از آن ، به برد و باخت تعبیر می‌شود. بنابراین، بازی‌های حرام در دین مبین اسلام از سه حال خارج نیست :

اول: بازی با آلات قمار با برد و باخت که ازدو جهت حرام است یکی به خاطر وجود آلت قمار و دیگری شرط بندی

دوم: بازی با آلات قمار بدون برد و باخت که این قسم از یک جهت حرام است و آن وجود آلت قمار است.

سوم: بازی با غیر آلات قمار با برد و باخت که این قسم نیز از یک جهت حرام است و آن شرط بندی است.^{۳۵}

^{۳۵}. البته مخفی نماند که در مواردی خاص و با شرایط مخصوص قرار دادن جایزه مانعی ندارد که البته این غیر از شرط بندی است و در جای خودش مذکور است.

اما بازی با غیر آلات قمار و بدون برد و باخت در شرع مقدس اسلام هیچ گونه منعی نداشته و بلکه در بعضی از موارد تشویق و ترغیب گردیده است از قبیل تیر اندازی، اسب دوانی و شنا^{۳۶} و ...

با این توضیح و مقدمه عرض میکنیم: بازی شطرنج در همان اوان ظهور اسلام - و حتی پیش از اسلام - در جامعه و بین مردم به عنوان یکی از آلات قمار معروف بوده است.

این مطلب به قدری روشن بوده که در بیشتر روایات ما برای قمار به شطرنج و نرد مثال زده اند و نمونه هایی از آنرا خواهیم آورد.

بنابراین جای هیچ تردیدی باقی نمیماند که شطرنج وسیله اصلی و معروف قمار بوده و همی مساله در حرمت آن کفایت میکند و اگر همراه با شرط بندی باشد از دو جهت حرام خواهد بود.

در این جا مناسب است به دو سوال احتمالی که ممکن است ذهن خوانندگان را مشغول سازد، اشاره کنیم.

سوال اول:

چرا شرع مقدس اسلام بازی با آلات قمار را ممنوع ساخته است؟ جواب این سوال را در بخش چهارم بیابید

سوال دوم :

امروزه شطرنج در عرف جامعه ما از آلات قمار بودن خارج شده و به عنوان یک ورزش شناخته می شود هر چند قبلا به عنوان آلت قمار در جامعه مطرح بوده است . بنابراین دیگر نباید حرمت داشته باشد

جواب : خارج شدن یک وسیله از آلت قمار بودن شرایطی دارد که در بخش پنجم و ششم مفصلا درباره آن بحث خواهیم نمود.

^{۳۶}. برای آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع شود به : انصاری ، مرتضی، المكاسب، تحقیق و نشر مجمع الفکرالاسلامی، قم، ۱۴۱۷ق، چاپ دوم، ج ۱، صص ۳۷۱-۳۸۴.

شطرنج از دیدگاه قران کریم

با توجه به این که قران کتاب هدایت است و برای همه اعصار تا قیامت آمده است لازمه این جاودانگی و دوام آن است که مردم در زمانهای مختلف بتوانند متناسب با رشد فرهنگی خود از آن بهره ببرند.

طبیعی است که چنین کتابی مشتمل بر اشاراتی کلی باشد تا معلمان و مفسران حقیقی قران پیامبر اکرم و جانشینان آن حضرت ائمه معصومین به توضیح و تفسیر آن بپردازند.

در قران کریم کلمه شطرنج بکار نرفته است اما به مناسبت‌های مختلف مفسران با آوردن روایاتی بحث شطرنج را مطرح نموده‌اند. این آیات در سه دسته و گروه قابل طرح و بررسی می‌باشند:

الف) آیات میسر

یعنی آیاتی که در آن‌ها کلمه «میسر» به کار رفته است.

آن آیات عبارتند از:

«يسالونك عن الخمر و الميسر قل فيهما اثم كبير و منافع للناس و اثمهما اكبر من نفعهما»^{۳۷}

ای پیغمبر درباره شراب و قمار از تو سوال می‌کنند بگو: در آن‌ها گناه بزرگی است و منافی برای مردم در بردارند ولی گناه آنها از نفع آنها بیشتر است.

«يا ايها الذين امنوا انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه لعلكم

تفلحون»^{۳۸}

^{۳۷}. سوره بقره: ۲۱۹.

^{۳۸}. سوره مائده: ۹۰.

ای کسانی که ایمان آورده اید همانا شراب و قمار و بتها و ازلام(نوعی بخت آزمایی)پلیدند و از عمل شیطانند پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید.

«انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوه و البغضاء فی الخمر و المیسر و یریدکم عن ذکر الله و عن الصلاة فهل انتم منتهون»^{۳۹}

همانا شیطان میخواهد در میان شما به وسیله شراب و قمار عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد پس آیا شما از آن دست برمیدارید؟

روایات متعددی از ائمه معصومین در ذیل این آیات رسیده است که میسر را نرد و شطرنج و سایر انواع قمار تفسیر نموده است.

امام صادق در ذیل آیه اول می فرماید:

النرد و الشطرنج من المیسر.^{۴۰}

نرد و شطرنج از میسر(قمار) است.

و در ذیل آیه دوم وسوم امام رضا (ع) فرمودند:

^{۳۹}.سوره مائده: ۹۱.

^{۴۰}. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق و نشر موسسه آل البیت ، قم، ۱۴۰۹ق، ۳۲۶/۱۷ و همچنین: نوری طبرسی، حسین ، مستدرک الوسائل، تحقیق و نشر موسسه ال البیت ، قم، ۱۴۰۸ق، ۲۲۴/۱۳. برای توضیح بیشتر در مورد آیه اول وروایات رسیده در تفسیر آن رجوع شود به:

الف: بحرانی، سیدهاشم ، البرهان فی تفسیر القران، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۰۱۵ق ، ۴۵۶/۱.

ب: عروسی حویزی ، عبد علی بن جمعه ، تفسیر نورالثقلین، مطبعه العلمیه، قم، بی تا، چاپ دوم، ۲۰۹/۱.

ج: عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، بی تا، ۱۰۵/۱. و همچنین سایر تفاسیر

ان الشطرنج و النرد و اربعه عشر و كل ما قומר عليه منها فهو ميسر.^{۴۱}

به راستی که شطرنج و نرد و اربعه عشر (یکی از آلات قمار) و هر چیزی که بوسیله آن قمار زده می‌شود، ميسر است.

نکات قابل توجه در آیات ميسر

در مورد سه آیه مذکور چند نکته قابل توجه است:

در این آیات قمار که یکی از مصادیق قطعی آن طبق روایات وارده از معصومین شطرنج است چنان که گذشت هم ردیف با شراب و هم ردیف با بت و بت پرستی ذکر شده است و این نشان می‌دهد که خطرات و اثرات منفی و سوء قمار به قدری زیاد است که در ردیف شراب خوری و بت پرستی قرار گرفته است.

آیه دوم با خطاب «یا ایها الذین آمنوا» شروع شده است و از آن چنین فهمیده می‌شود که مخالفت با مطالب مندرج در آیه عدم اجتناب از موارد یاد شده با روح ایمان سازگار نیست همچنان که عمل به دستور آیه اجتناب از کارهای مذکور میتواند نشانه ای بر وجود روح ایمان در انسان باشد. در همین آیه شراب و قمار و همچنین بت پرستی و ازلام یک نوع بخت آزمایی همگی به عنوان رجس و پلیدی شمرده شده و از اعمال شیطانی به حساب آمده است.

در آیه سوم به بیان پاره ای از زیان های آشکار شراب و قمار پرداخته ، نخست می‌گوید : شیطان می‌خواهد از طریق شراب و قمار در میان شما عداوت و کینه برانگیزد و از نماز و ذکر خدا باز دارد. در پایان به صورت

^{۴۱}. حر عامل محمد بن حسن، وسائل الشیعه ، ۱۷۶/۱۷، و همچنین : مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق، ۲۳۵/۷۶. برای تفصیل مطلب و ملاحظه سایر روایات وارده در ذیل آیه دوم و سوم رجوع شود به الف: بحرانی، سید هاشم ، البرهان فی تفسیر القرآن ، ۳۵۲/۲. ب: طوسی، محمد بن حسن ، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قصیر عاملی، مکتب الاعلام الاسلامی ، قم، ۱۴۰۹ قریال ۱۵/۴ ج: طبرسی ، فضل لن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی ، بیروت، ۱۳۷۹ق، ۲۳۹/۲ د: عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۳۳۹/۱ . ه: قمی، علی بن ابراهیم ، تفسیر القمی، موسسه دارالکتاب للطباعه و النشر، قم، بی تا، چاپ سوم، ۱۸۰/۱، و همچنین سایر تفاسیر.

استفهام تقریری می‌گوید: آیا شما از آن دست بر میدارید؟ یعنی پس از این همه تأکید دیگر جای بهانه جویی و توجیهاات بی اساس و یا شک و تردید در مورد ترک این دو گناه بزرگ باقی نمی‌ماند. لذا می‌بینیم که در آیه بعد به مسلمانان دستور می‌دهد که خدا و پیامبرش را اطاعت کنند و از مخالفت با او بپرهیزند:

«اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و احذروا»^{۴۲}

و سپس مخالفان را تهدید میکند که اگر از اطاعت فرمان پرورگار سر باز زنند مستحق کیفر و مجازات خواهند بود و پیامبر وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار ندارد:

«فان توليتهم فاعلموا انما على رسولنا البلاغ المبين»^{۴۳}

(ب) آیه رجس

و آن آیه سوره حج است که به صورت دستوری می‌فرماید:

«فاجتنبوا الرجس من الاوثان»

از پلیدیها یعنی از بتها اجتناب کنید

در ذیل این آیه شریفه روایات متعددی از ائمه معصومین رسیده که در آنها بیان شده که منظور از «رجس من الاوثان» شطرنج است و شاید اوثان اشاره به مهره‌های بت گونه شطرنج باشد.

الرجس من الاوثان الشطرنج...^{۴۴} مرا د از پلیدی بتها شطرنج است.

^{۴۲}.سوره مائده: ۹۳.

^{۴۳}.همان.

^{۴۴}.کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، دارالکتاب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۵، چاپ چهارم، ۴۳۵/۶، همچنین: حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه ۳۱۸/۱۷. برای ملاحظه سایر روایات رجوع شود به: الف: بحرانی؛ سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن ۹۰/۴.

ب: قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی ۸۴/۲. ج: طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی التفسیر القرآن ۳۱۱/۷

ج) آیه لغو

در آیات پایانی سوره فرقان بحث جامع و جالبی پیرامون صفات ویژه بندگان خاص خدا که تحت عنوان «عبادالرحمان» آمده، مطرح می‌شود.

این آیات دوازده صفت از صفات ویژه آنان را بیان می‌کند که بعضی به جنبه های اعتقادی ارتباط دارند و برخی اخلاقی، و پاره‌ای اجتماعی و قسمتی جنبه فردی دارد و روی هم رفته مجموعه‌ای است از والاترین ارزش‌های انسانی.

«عدم حضور در مجالس باطل» و «اعتراض از لغو» از صفات برجسته بندگان ویژه خدا در این آیات شمرده شده است، آنجا که می‌فرماید»

«والذین لا یشهدون الزور و اذا مروا باللغو مروا کراما»^{۴۵}

آنها کسانی هستند که در مجالس باطل حضور پیدا نمی‌کنند و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند بزرگوارانه از آن می‌گذرند.

بنابراین، بندگان ویژه خدا علاوه بر اینکه در مجالس لهو و باطل و گناه حضور نمی‌یابند همیشه در زندگی هدف معقول و مفید و سازنده‌ای را تعقیب می‌کنند و از باطل گریزان و بیهوده کاران متنفرند و اگر اینگونه کارها در مسیر زندگی آنان قرارگیرد چنان از کنار آن می‌گذرند که بی‌اعتنایی آنان خود دلیل عدم رضایی باطنیشان به این اعمال است و آنچنان بزرگوارند که هرگز محیط های آلوده در آنان اثر نمی‌گذارد و رنگ نمی‌پذیرند.

وقتی از امام صادق از معنای این آیه سوال شد فرمودند: **من ذالک الغناء و الشطرنج**.^{۴۶}

^{۴۵}. سوره فرقان: ۷۲.

^{۴۶}. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل ۲۱۳/۱۳.

از مصادیق مجالس باطل و لغو، غناء و شطرنج است.

و در روایت دیگری صریحا شطرنج را از باطل شمرده اندک

الشطرنج من الباطل. ۴۷

چکیده بخش دوم

ملاک حرمت یک بازی در اسلام یکی از دو امر است :

از آلات قمار باشد، ولو بدون برد و باخت بازی شود.

با شرط بندی و برد و باخت بازی شود، هرچند از آلات قمار نباشد.

شطرنج از دیر باز به عنوان یکی از آلات قمار معروف بوده به طوری که در بسیاری از روایات برای قمار به

شطرنج مثال زده اند.

از سه دسته آیات به ضمیمه روایات تفسیر کننده در ذیل آن ممنوعیت شطرنج استفاده می گردد.

الف: آیات میسر «بقره ۲۱۹، مائده ۹۰ و ۹۱ ب: آیه رجس «حج ۳۰» ج: آیه لغو «فرقان ۷۲»

۴۷. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه ۳۱۸/۱۷ و ۳۲۱.

بخش سوم

شطرنج از دیدگاه روایات

مجموعه روایات رسیده از پیامبر اکرم و عترت آن حضرت، ائمه معصومین، دریایی سرشار از حقایق و معارف ارزشمند است که مسلمانان به هر اندازه با این سرچشمه های حیات و معنویت ارتباط داشته باشند و از آن بهره مند گردند به هدایت و سعادت نزدیک تر خواهند بود.

با بررسی اجمالی در روایات اهل بیت عصمت و طهارت در مورد شطرنج مطالب گوناگونی استخراج شد که جهت سهولت فراگیری می توان آنها را در عناوین ذیل خلاصه کرد:

۱) خرید و فروش شطرنج

در روایات متعددی خرید و فروش آن حرام و ممنوع اعلام گردیده است.

امام صادق (ع) فرمودند:

بیع الشطرنج حرام ^{۴۸} خرید و فروش شطرنج حرام است...

و در بعضی از روایات فروشنده و خریدار شطرنج را به مانند خورنده گوشت خوک معرفی کرده اند. پیغمبر اکرم (ع) در روایتی از خرید و فروش نرد و شطرنج نهی کرده و فرمودند:

من فعل ذلک فهو کاکل لحم الخنزیر ^{۴۹}

کسی که این کار را انجام دهد (خرید و فروش نرد و شطرنج نماید) همانا مانند خورنده گوشت خوک است.

۲) پولی که از راه شطرنج به دست می آید

در بعضی از روایات از آن به «سحت» تعبیر شده است.

امام صادق (ع) فرمودند:

^{۴۸}. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ۳۲۳/۱۷، مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ۲۳۴/۷۶ و ۵۳/۱۰۰.

^{۴۹}. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ۳۳۰/۷۳.

واكل ثمنه سحت^{۵۰}

خوردن پولی که از راه شطرنج به دست می آید سحت است

در لسان العرب سحت را چنین معنا کرده:

كل حرام قبيح الذكرو قيل : هو ما خبث من المكاسب و حرم فلزم عنه العار و قبيح الذكر كثمن

الكلب و الخمر و الخنزير... السحت الحرام الذي لا يحل كسبه لانه يسحت البركة ای يذهبها.^{۵۱}

سحت عبارت است از هر حرامی که ذکر آن ناپسند باشد. بعضی گفته اند : سحت عبارت است از آن کسب‌های

پلیدی که حرام است و موجب ننگ و عار است و یاد کرد آن ناخوش آیند است، مثل پولی که از راه خرید و

فروش سگ و خوک و شراب به دست آید. بعضی دیگر گفته‌اند : سحت آن حرامی است که کسب آن جایز

نیست ، زیرا برکت را می برد.

۳) بازی با شطرنج

از بازی شطرنج به تعابیر مختلفی یاد شده است:

الف) شرک

امام صادق (ع) فرمودند:^{۵۲}

واللعب بها شرک بازی با شطرنج شرک^{۵۳} است

^{۵۰} حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه ۳۲۳/۱۷، مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار ۲۳۴/۷۶ و ۵۳/۱۰۰.

^{۵۱} ابن منظور، لسان العرب، دار الحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ق، ۱۸۶/۶، لفظ «سحت»

^{۵۲} حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه ۳۲۳/۱۷، مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار ۲۳۴/۷۶ و ۵۳/۱۰۰

^{۵۳} مراد از شرک، شرک در طاعت است که بر هر گناه و معصیتی اطلاق میشود، و لکن نسبت به بعضی

گناهان، به جهت اهمیت فوق العاده آن به لفظ شرک تصریح شده است.

(ب) مجوسیت «آتش پرستی»

از امام صادق (ع) از شطرنج سوال شد، حضرت فرمودند:

دعوالمجوسیه لاهلها لعنها الله.^{۵۴}

مجوسیت را به اهل آن واگذارید خدا آن را لعنت کند.

(ج) نشستن در آتش دوزخ

امام صادق فرمودند:

ومن جلس علی اللعب بها فقد تبوا مقعده من النار^{۵۵}

هر کس برای بازی با شطرنج بنشیند، نشیمنگاه خود را از آتش دوزخ پر کرده است.

(۴) شطرنج باز

در مورد شطرنج باز به عنوان ذیل در روایات برخورد می کنیم:

(الف) مشرک

امام صادق فرمودند:

اللاعب بالشطرنج مشرک^{۵۶} بازی کننده با شطرنج مشرک است

علاوه ، از روایاتی که بازی با شطرنج را شرک معرفی کرده است نیز این معنا مشرک بودن استفاده می شود.

^{۵۴}. کلینی، محمد یعقوب، الکافی / ۶ / ۴۳۷ ، حر عاملی ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ۳۱۹/۱۷

^{۵۵}. حر عاملی ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ۳۲۳/۱۷، مجلسی ، محمد باقر ،

بحار الانوار ۲۳۴/۷۶ و ۵۳/۱۰۰.

^{۵۶}. نوری طبرسی ، حسین، مستدرک الوسائل ۲۲۳/۱۳.

ب) ملعون «دور شده از رحمت خدا»

پیغمبر اکرم (ص) فرمودند:

ملعون من لعب بالاستریق یعنی الشطرنج^{۵۷}

ملعون است کسی که با شطرنج بازی کند.

ج) اصرار کننده بر زنا

امام رضا (ع) در روایتی فرمودند:

و مثل الذی یلعب فی شیء من هذه الاشياء (یعنی الشطرنج و...) کمثل الذی مصر علی الفرج الحرام^{۵۸}

مثل کسی که با چیزی از این اشیاء یعنی آلات قمار مثل شطرنج بازی کند مانند کسی است که اصرار بر زنا داشته باشد.

د) قبول نشدن شهادت وی

امام صادق (ع) فرمودند:

لا تقبل شهادة شارب الخمر و لا شهادة الاعب بالشطرنج والنرد و...^{۵۹}

شهادت شخص شراب خوار، شطرنج باز، نرد باز و... قبول نمی شود

ه) محرومیت از این که در زمره آزادشدگان از آتش جهنم باشد

^{۵۷} کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی ۴۳۷/۶، حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ۳۱۹/۱۷، نوری

طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل ۲۲۳/۱۳

^{۵۸} نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل ۲۲۴/۱۳، مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار ۲۳۳/۷۶.

^{۵۹} ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه ۵۸/۴، حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل

الشیعه، ۳۲۳/۱۷، مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۲۳۵/۷۶ و ۲۳۷.

امام صادق(ع) فرمودند:

ان لله في كل ليلة من شهر رمضان عتقاء من النار الامى افطر على مسكرا او مشاحن او صاحب شاهين
. قال: قلت : وای شیء صاحب شاهین؟ قال : الشطرنج^{۶۰}

به راستی که خداوند متعال در هر شب ماه مبارک رمضان آزادشدگانی از آتش دوزخ دارد، مگر سه نفر که این
آزادی نصیب آنها نمی شود: ۱- شراب خوار ۲- کینه توز ۳- صاحب دو شاه. راوی گوید: عرض کردم :صاحب دوشاه
کیست؟ فرمودند: شطرنج باز

ه) نگاه به شطرنج

الف) نگاه به شطرنج مثل نگاه کردن به شرمگاه مادر است.

امام صادق(ع) فرمودند:

والناظر اليه كالناظر الي فرج امه...^{۶۱}

ب) نظر کننده به شطرنج مانند خورنده گوشت خوک است.

پیغمبر اکرم(ص) فرمودند:

والناظر اليه كاكل لحم الخنزير^{۶۲}

ج) گناه نگاه کننده به آن در حال بازی با گناه بازی کننده مساوی شمرده شده است .

^{۶۰} کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی ۴۳۵/۶، ابن بابویه(صدوق)، من لا یحضره الفقیه ۹۸/۲، طوسی، محمد بن حسن، التهذیب، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵، چاپ چهارم، ۶۰/۳، حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ۳۱۹/۱۷، مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ۲۳۲/۷۶ و ۳۴۰/۹۳ و ۳۷۲.

^{۶۱} ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه ۵۸/۴، حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۳۲۳/۱۷، مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۲۳۵/۷۶ و ۲۳۷.

^{۶۲} نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل ۲۲۳/۱۳، مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ۲۳۷/۷۶.

امام صادق(ع) فرمودند:

والاهی بها و الناظر الیهما فی حال ما یلهی بها و السلام علی الاهی بها فی حالته تلک فی الاثم

سواء^{۶۳}

بازی کننده با شطرنج و نگاه کننده به آن در حال بازی و سلام بر بازی کننده آن در حال بازی در گناه مساوی هستند.

۶) دست زدن به آلات شطرنج

در روایات ، دست زدن به آلات شطرنج را به منزله فرو بردن دست در گوشت خوک معرفی کرده‌اند به طوری که آثار نجاست را بر آن بار کرده و فرموده‌اند : همانطور که تطهیر دستی که به گوشت خوک اصابت کرده برای نماز لازم است، همچنین است دست زدن به آلات شطرنج البته پرواضح است که مراد نجاست ظاهری نیست بلکه مبالغه در پلیدی است.

امام صادق(ع) فرمودند:

«والخائض فیها یده کالخائض یده فی لحم الخنزیر، لا صلاة له حتی یغسل یده یغسلها من

مس لحم الخنزیر»^{۶۴}

۷) یاد دادن شطرنج

تعلیم شطرنج از گناهان کبیره موبقه و هلاک کننده شمرده شده است.

امام صادق(ع) فرمودند:

^{۶۳} حر عاملی ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ۳۲۳/۱۷، مجلسی ، محمد باقر، بحار الانوار ۱۰/۷۳ و ۲۳۵/۷۶.

^{۶۴} حر عاملی ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ۳۲۳/۱۷، مجلسی ، محمد باقر، بحار الانوار ۲۳۴/۷۶.

وتعليمها كبرى موبقة^{٦٥}

٨) سلام بر شطرنج باز

دين مبین اسلام نسبت به سلام کردن اهتمام و توجه خاصی دارد، به طوری که پیغمبر اکرم (ص) فرمودند:

ان السلام اسم من اسماء الله تعالى فاقشوه بينكم^{٦٦}

سلام اسمی از اسمای الهی است، پس آنرا در بین خود آشکار کنید.

ویا فرمودند:

ان البخل الناس من بخل بالسلام^{٦٧} بخیل ترین مردم کسی است که از سلام کردن بخل ورزد.

و در جای دیگر امیرالمومنین (ع) فرمودند:

السلام سبعون حسنة، تسعة و ستون للمبتدی و واحدة للراد^{٦٨}

سلام هفتاد حسنه دارد که شصت و نه حسنه آن برای کسی است که سلام کند و یک جزء برای جواب دهنده است.

در عین حال می بینیم در بعضی از روایات به طور کلی از سلام به شطرنج باز - گرچه در حال بازی هم نباشد - منع گردیده است.

امیرالمومنین (ع) می فرماید:

^{٦٥}. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیخ ٥٨/٤.

^{٦٦}. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، انتشارات دارالحدیث، قم، ١٤٢٢ق، ١٧٩٧/٤ حدیث ٨٨٤٥.

^{٦٧}. همان، ١٧٩٦ حدیث ٨٨٣٧.

^{٦٨}. همان، ١٧٩٧ حدیث ٨٨٤٩.

نهی رسول الله ان یسلم علی اربعه: علی السکران فی سکره، وعلی من یعمل التماثل، وعلی من یلعب بالنرد، و علی من یلعب بالاربعه عشر، و انازیدکم الخمسه، انها کم ان تسلموا علی اصحاب الشطرنج^{۶۹}

رسول خدا از سلام کردن بر چهار نفر نهی کردند: ۱- آدم مست در حین مستی ۲- مجسمه ساز

کسی که نرد بازی کند ۴- کسی که اربعه عشر بازی کند و من یک نفر دیگر اضافه میکنم: شما را نهی می‌کنم از اینکه بر شطرنج بازان سلام کنید.

درشمار دیگری از روایات، سلام بر شطرنج باز در حال بازی مورد اشاره قرار گرفته به طوری که در برخی از آنها سلام بر او کفر شمرده شده است.

امام رضا(ع) فرمودند:

والسلام علی الاهی بها کفر^{۷۰}

و در بعضی دیگر گناه کبیره موبقه - هلاک کننده - معرفی گردیده است .

امام صادق(ع) فرمودند :

والسلام علی الاهی بها معصیه و کبیره موبقه^{۷۱}

و در تعدادی دیگر گناه سلام کننده بر شطرنج باز در حال بازی با گناه بازی کننده یکسان دانسته شده است.

امام صادق(ع) فرمودند:

^{۶۹}. حر عاملی ، محمدبن حسن، وسائل الشیعه ۴۹/۱۲، مجلسی ، محمد باقر، بحارالانوار ۳۵۶/۷۳ و ۲۳۱/۷۶. ابن بابویه (صدوق) محمدبن علی، الخصال ۲۳۷/۱ باب الاربعه(اربعه لا یسلم علیهم).

^{۷۰}. نوری طبرسی، حسین ، مستدرک الوسائل ۲۲۳/۱۳، مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار ۱۰/۷۳ و ۲۳۳/۷۶.

^{۷۱}. حر عاملی ، محمدبن حسن، وسائل الشیعه ۳۲۳/۱۷، مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار ۱۰/۷۳ و ۲۳۴/۷۶

واللهي بها و الناظر اليها في حال ما يلهي بها والسلام على الله في حالته تلك في الاثم سواء

٧٢

بازی کننده با شطرنج و نگاه کننده به آن در حال بازی و سلام بر بازی کننده آن در حال بازی در گناه مساوی هستند.

(٩) هم نشینی با شطرنج باز

مجالست با شطرنج باز نیز از نظر شرع مقدس اسلام ممنوع است به طوری که در برخی از روایات محفل شطرنج مجلسی معرفی شده که هر لحظه احتمال نزول بلا در آن انتظار می‌رود.

امام صادق(ع) فرمودند:

اياك و مجالسه الالهی و المغرور بلعبها فانها من المجالس التي باء اهلها بسخط من الله يتوقعونه في

كل ساعة فيعمك معهم^{٧٣}

بپرهیز از مجالست با کسی که مغرور به بازی شطرنج است همانا به راستی مجلس شطرنج است که صاحبان آن به خشم خدا بازگشت کرده‌اند و هر لحظه منتظر وقوع آن هستند، پس (اگر تو هم با آنها باشی) خشم خدا تو را هم با ایشان در بر خواهد گرفت.

و در بعضی دیگر از روایات از محفل شطرنج به عنوان مجلسی یاد شده که خداوند متعال به اهل آن نظر نمی‌کند. مردی از امیرالمومنین (ع) سوال می‌کند که من گاهی به تماشای کسانی می‌نشینم که شطرنج بازی می‌کنند ولی خود با آنها بازی نمی‌کنم ، آقا امیرالمومنین می‌فرمایند:

^{٧٢}. حر عاملی ، محمدبن حسن، وسائل الشیعه ٣٢٣/١٧، مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار ١٠/٧٣ و ٢٣٥/٧٦

^{٧٣}. حر عاملی ، محمدبن حسن، وسائل الشیعه ٣٢٣/١٧، مجلسی ، محمدباقر، بحار الانوار ٢٣٥/٧٦.

ما لك و لمجلس لا ينظر الله الى اهله^{٧٤} تورا چه به مجلس كه خدای متعال به اهل آن نظر نمی‌کند

١٠) نگهداری شطرنج در خانه

روایات ما نگهداری شطرنج در خانه را موجب غضب و خشم خداوند دانسته اند به طوری که امام رضا (ع) فرمودند:

من ابقى في بيته طنبورا وعودا اوشينا من الملاهي من المعزفة والشطرنج واشباهه اربعين يوما فقد
باء بغضب من الله فان مات في اربعين مات فاجرا فاسقا ماواه النار وبئس المصير^{٧٥}

هرکس در خانه اش طنبور و یا عود و یا چیزی از وسائل لهو مثل معزنه و شطرنج و امثال آن به مدت چهل روز نگهداری کند همانا خود را در معرض غضب و خشم الهی قرار داده است و اگر در این مدت بمیرد مرگ او مرگ یک آدم فاجر و فاسق است که جایگاهش آتش می‌باشد و آتش بدیابانی برای اوست.

یزید و شطرنج

در پایان این بخش مناسب به نظر می‌رسد روایتی را که فضل بن شاذان از حضرت علی بن موسی الرضا (ع) نقل کرده ، ذکر کنیم:

عن الفضل بن شاذان قال: سمعت الرضا (ع) يقول: لما حمل راس الحسين اني الشام امر يزید فوضع و نصب عليه مائه فاقبل هو و اصحابه ياكلون و يشربون الفقاع فلما فرعوا امر بالراس فوضع في طست تحت سريره و بسط عليه رقعة الشطرنج و جلس يزید يلعب بالشطرنج و يذكر الحسين بن علی و اباه و جده و يستهزی

^{٧٤}. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ٤/٤٣٧، حر عاملی ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ١٧/٣٢٢.

^{٧٥}. فقه الرضا (منسوب به حضرت رضا (ع)) کنگره جهانی حضرت رضا (ع) ، مشهد، ١٤٠٦ق، ص ٢٨٢ ، مجلسی ، محمد باقر، بحار الانوار ٧٦/٢٥٣، نوری طبرسی ، حسین، مستدرک الوسائل ١٣/٢١٨.

بذکرهم فمتی قامر صاحبه تناول الفقاع فشربه ثلاث مرات ثم صب فصلته علی ما یلی الطست من الارض .
فمن کان من شیعتنا فلبتورع عن شرب الفقاع و اللعب بالشطرنج و من نظر الی الفقاع او الی الشطرنج فلیذکر
الحسین و لیلعن یزید و آل زیاد یمحو الله بذلک ذنوبه و لو كانت بعدد النجوم^{۷۶}

فضل بن شاذان گوید: از حضرت امام رضا(ع) شنیدم که می فرمود: چون سر مبارک امام حسین(ع) به شام برده
شد یزید که خدا او را لعنت کند دستور داد که سر مبارک را بر زمین گذاشته و سفره‌ای را بر روی آن قرار
دادند سپس خودش و پیروانش آمدند و مشغول خوردن شدند و فقاع(آب جو مست کننده) می نوشیدند و
چون از خوردن و آشامیدن فارغ شدند یزید دستور داد سر مبارک امام حسین(ع) را وارد مجلس کرده در میان
طشتی کنار تختش گذاشتند و بساط شطرنج را بر روی آن پهن کردند بعد یزید شروع کرد به بازی شطرنج و
نام حسین و پدرش امیرالمومنین (ع) و جدش رسول الله(ص) را یاد می کرد و آنها را به باد مسخره می گرفت
. پس هر بار که در بازی بر طرف مقابلش غالب می شد ظرف فقاع را برمی داشت و سه بار از آن می نوشید سپس
زیادی آنرا در کنار طشت که سر مبارک در آن بود بر روی زمین می ریخت . پس هرکس از شیعیان ماست باید
از نوشیدن فقاع و بازی شطرنج پرهیز کند و هرگاه که چشمش به فقاع یا شطرنج افتاد مظلومیت امام
حسین(ع) را به یاد بیاورد و یزید و آل یزید را لعنت کند،(که هرکس چنین کند) خداوند متعال گناهان او را
محو نماید گرچه به تعداد ستارگان آسمان باشد.

اینها مطالبی بود در مورد شطرنج برگرفته از روایات معصومین و البته این مقدار برحسب تتبعی بوده که این
حقیر بی بضاعت توانسته ام از کلمات اهل بیت عصمت و طهارت استخراج نمایم. بدون شک تفحص بیشتر در
کلمات دربار خاندان وحی گویای مطالب بیشتری خواهد بود.^{۷۷}

^{۷۶} ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه ۴/۴۱۹، مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار ۴۵/۱۷۶ و
۲۳۷/۷۶.

^{۷۷} توجه به این نکته نیز لازم است که کثرت روایات وارده در مورد شطرنج جایی برای بررسی اسناد آنها
باقی نمیگذارد. مرحوم عبدالرسول فیروزکوهی در رساله ای که در خصوص حرمت قمار و شطرنج نوشته ادعای
تواتر روایات را در این زمینه بعید ندانسته است. مناسب است عین عبارت ایشان را که بعد از ذکر روایات آمده
و جملات پایانی رساله مذکور است، ذکر کنیم:

ای خواننده عزیز

آیا با توجه به تعبیرهای تند و شدیدی که درباره شطرنج و شطرنج باز در روایات آمده که بازی با آن کفر و شرک و بازی کننده با آن را مصر بر زنا بلکه مشرک و مجوس معرفی کرده‌اند و بلکه نگاه کردن به آن را از گناهان کبیره و به منزله خوردن گوشت خوک دانسته‌اند تا جای که ما را از سلام کردن به شطرنج باز برحذر داشته و بلکه آن را گناه کبیره موبقه معرفی کرده‌اندو ...

آیا باز هم یک مسلمان می‌تواند به خودش جرات نزدیکی به این بازی پلید را بدهد؟

و آیا یک شیعه که عاشق و دل سوخته امام حسین (ع) و کربلای اوست ، می‌تواند این مطلب را بشنود که یزید با کمال جسارت و اهانت کنارسر مبارک سیدالشهدا شطرنج بازی می‌کرده - معلوم می‌شود یزید کاری پست‌تر از خوردن شراب و بازی شطرنج برای خنک کردن دل خود و مقابله با قیام امام حسین(ع) در نظر نداشته - ولی باز هم به این بازی ملعون - برفرض که حرام هم نباشد- نزدیک گردد؟

و آیا همین یک گفته امام رضا(ع) که فرمودند: هرکس از شیعیان ماست پس باید از بازی شطرنج و نوشیدن آب جو پرهیز کند و هرگاه چشمش به آن دو افتد به یاد مظلومیت حسین (ع) بیفتد و یزید و آلش را لعنت کند... برای یک شیعه عاشق اهل بیت بس نیست؟ به چه بیانی باید به ما بگویند تا ما مقصود آنان را دریابیم و به آن عمل کنیم؟

آیا معتقد نیستیم خداوند متعال به تمام مصالح و مفاصد بندگان آگاه است و آنچه را که مصلحت بندگان در آن است توسط خاندان وحی برای ما بیان کرده است؟ پس چرا با توجیهاات بی‌پایه و اساس دست به هر

ثم ان کثرتها (ای کثره الروایات فی حرمة الشطرنج) و استفاضتها بل لا یبعد دعوی تواترها یعنی عن النظر فی سندها و لعمر ربی ان فیما ذکرنا من الاخبار و فتاوی الخیار لکفایة لمن کان له قلب او القی السمع و هو شهید، و اما الجاهل اللدود فلا یکفیه الا النارذات الوقود عصمنا الله تعالی من موجبات سخطه و من الالحد فی دینه و شریعته بحق محمد و الطیبین من عترته صلوات علیهم اجمعین امین یا رب العالمین . (فیروز کوهی، عبدالرسول، شطرنجیه، بی نا، تهران، ۱۳۲۰ق، چاپ سنگی، ص ۳۶.

گناهی می‌زنیم و حتی احساس گناه هم نمی‌کنیم؟ و آیا دیگر وقت آن نرسیده که هواهای نفسانی را کنار گذاشته و از تمرد و مخالفت با دستورات الهی بپرهیزیم؟

و آیا آیا آیا ... و هزاران آیای دیگر وجود دارد که جواب همه آنها برای یک شیعه و پیرو راه اهل بیت واضح و روشن است.

چکیده بخش سوم

آن چه از روایات در مورد شطرنج استفاده می‌شود:

- ۱- خرید و فروش آن حرام و همچون خوردن گوشت خوک است.
- ۲- درآمدی که از راه خرید و فروش آن به دست می‌آید سُحت کثیف‌ترین درآمد است
- ۳- بازی با شطرنج شرک و عمل مجوس است
- ۴- شطرنج باز مشرک ، ملعون و مصر بر زنا معرفی گردیده است ، شهادت وی قبول نشده و محروم از آمرزش ویژه ماه مبارک رمضان و نهاییه جایگاهش آتش است.
- ۵- نگاه به شطرنج همانند نگاه به شرمگاه مادر، و همچون خوردن گوشت خوک و گناه آن برابر با بازی کننده آن است .
- ۶- دست زدن به مهره‌های شطرنج همچون فروبردن دست در گوشت خوک است.
- ۷- آموزش شطرنج از گناهان کبیره و هلاک کننده شمرده شده است.
- ۸- از سلام به شطرنج باز در حال بازی و غیر آن منع شده و سلام به بازی کننده آن کفر معصیت و گناه کبیره است و بلکه گناه او با گناه بازی کننده یکسان است.
- ۹- از همنشینی با شطرنج باز و حضور در مکان بازی نهی شده زیرا موجب خشم خداست و اهل آن مجلس باید هر لحظه منتظر نزول بلا باشند.
- ۱۰- نگهداری شطرنج در خانه موجب غضب و خشم خداست

نهایه بدترین انسان «یزید» بر روی سر مطهر بهترین فرد «حسین بن علی(ع)» زشت ترین کاری را که به فکر پلیدش می‌رسید «نوشیدن شرابو ریختن باقی مانده آن بر روی سر مطهر همراه با مسخره نمودن» انجام دادوهمه اینها در حاشیه بازی با شطرنج انجام شد.

بدین سان شطرنج در روایات محور همه پلیدی‌ها «حرمت،سحت،شرک،مجوسیت،زنا،محرومیت از رهایی ازآش، معصیت کبیره ، خشم خدا،نزول بلا و درنهایت سقوط درآتش» می‌باشد.

این است خطاب برگرفته از روایات ولی نعمت ما حضرت امام علی بن موسی الرضا(ع) به شیعیان:

هرکس از شیعیان ماست از بازی شطرنج و نوشیدن شراب پرهیز نموده و هرگاه چشمش به آن دو افتاد مظلومیت حسین بن علی (ع) را به یاد آورد ویزید و آل یزید را لعنت کند تا خداوند گناهان او را هرچند که زیاد باشد محو نماید.

بخش چهارم

شطرنج از دیدگاه شطرنج بازان

با توجه به این که امروزه بازی شطرنج به عنوان تقویت کننده نیروی فکر ترویج می گردد و در برخی سازمانهای فرهنگی «آگاهانه یا ناآگاهانه» به عنوان یک ورزش فکری شیوع پیدا کرده است، مناسب است حقایق را از زبان کارشناسان، قهرمانان و نوابغ شطرنج جهان در زمینه های مختلف مرتبط با شطرنج ذکر کنیم تا شاهدی گویا برای تایید مطالب بخش های گذشته بوده و تا حدی فلسفه حرمت شطرنج نیز از نظر اسلام روشن گردد، زیرا عده ای از مردم تا از آن طرف دیوار -دنیای غرب- مطلبی نشنوند، به دلشان نمی نشیند و قانع نمی شوند و الا اسناد و مدارک اسلامی همانطور که در بخش دوم و سوم گذشت جایی برای شک و تردید در مورد حکم شطرنج باقی نمی گذارد و در بخش ششم نیز مساله را از دید فقهی بررسی کرده و فتاوی مراجع عظام تقلید را از نظر خوانندگان عزیز خواهیم گذراند.

به هر حال ، مطالب این بخش را در ضمن چند عنوان مطرح می کنیم .

شطرنج تقویت کننده فکر یا ورزشی خسته کننده؟

یکی از کارشناسان شطرنج که شهرت جهانی دارد، «شاتال شوده دو سیلان»^{۷۸} است . این شخص فرانسوی است و درباره وی گفته شده : کسی جز شاتال نمی تواند قهرمانی شطرنج جهان را به دست آورد. مطبوعات جهان نیز قدرت او را ستوده و برتری او را بر سایر حریفان ستایش کرده اند.

او می گوید: همین قدر کافی است برای اثبات این که شطرنج ورزشی است بسیار خسته کننده که پس از انتهای حرکت چهلم اگر نتیجه به دست نیامد بازی به تعویق می افتد، چنان که در «ریکیاویک» اتفاق افتاد. در واقع بیش از پنج ساعت نمی توان بر اعصاب خود مسلط شد و قدرت خود را حفظ کرد.^{۷۹}

وی سپس به قهرمانان شطرنج که ممکن است استعدادشان در موارد دیگر از حد متوسط هم پایینتر باشد اشاره کرده و می گوید:

^{۷۸} . Chantale Chode Docillane

^{۷۹} . پاک نژاد، رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۷، ۲۹۱/۱۳۶۰

می‌خواستم همین را بگویم! این خطر واقعی شطرنج است، پرداختن به شطرنج سایر منابع ذهنی را از کار می‌اندازد و دیگر فعالیت‌های ذهنی بیهوده و بوج می‌شود. شطرنج می‌تواند به مفهوم لغت «پاسکال» اختلال حواس ایجاد کند...^{۸۰}

به همین جهت روانشناسان می‌گویند: برخلاف تصور عموم بازی شطرنج و به خصوص مهارت در آن ارتباطی به حافظه و حتی هوش ندارد. آنچه مورد نیاز است نیروی تخیل، تجسم و ابتکار است.

«کلیولند»^{۸۱} روانشناس معروف امریکایی پس از سالها بررسی ثابت کرده است که افراد کودن و کم‌هوش که در سایر رشته‌های فکری کمبود و نارسایی دارند، به خوبی می‌توانند شطرنج بازی کنند و به درجه استادی برسند.^{۸۲}

جالب اینجاست که روزی عده‌ای از دانشجویان کمبریج به تیمارستان «بدلام» رفتند تا با بعضی از دیوانه‌ها دسته جمعی مسابقه شطرنج دهند. اتفاقاً دانشگاهیان به دیوانگان باختند.^{۸۳}

آیا واقعا همین بازی است که بعضی ادعا می‌کنند یک ورزش فکری است و نیاز به هوش و فکر قوی دارد به طوری که فقط افراد متفکر و دانا و باهوش می‌توانند به آن پردازند؟!!

محاسبه تعداد حرکات احتمالی در شطرنج: برای این که به خسته کننده بودن بازی شطرنج بیشتر پی ببرید به محاسباتی که در این زمینه از ناحیه ریاضی‌دانان و کارشناسان انجام گرفته، توجه کنید: ریاضی‌دانان محاسبه کرده‌اند که با کمک ۳۲ مهره و ۶۴ خانه شطرنج، تنها برای چهار حرکت اول ۳۱۸ میلیارد و برای ده حرکت اول ۱۷۰ میلیارد میلیارد امکان حرکات متنوع و متفاوت وجود دارد.^{۸۴}

^{۸۰} پاک نژاد، رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، انتشارات کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۷، ۲۹۱/۱۳۶۰.

^{۸۱} Cleveland.

^{۸۲} صادق رحمانی، عبدالرحمن، آخربازی - بررسی‌ها و شگفتی‌های شطرنج، ص ۲۳۱.

^{۸۳} همان، ۲۳۴.

^{۸۴} مجله دانستنیها، فروردین ۱۳۷۲، ص ۳۰.

«جان هس»^{۹۲} نیز از این که در دوران اقامتش در زندان شطرنج بازی کرده بود، احساس ندامت می‌کرد، زیرا معتقد بود که بدین طریق عواطف نامطلوب خویش را بروز داده است.^{۹۳}

«آلخین»^{۹۴} نیز که صاحب عنوان قهرمانی جهان بود و در سن ۱۶ سالگی موفق به اخذ درجه استادی گردید و پیروزی‌های او در شطرنج - حتی در بازی‌های چشم بسته - بین سالهای ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۶ بی سابقه بوده است،^{۹۵} همیشه می‌گفت:

برای برنده شدن باید از حریف خود متنفر شد^{۹۶}

در یک ضرب المثل فرانسوی نیز می‌خوانیم: اگر قلب مهربانی داشته باشی نمی‌توانی شطرنج بازی کنی.^{۹۷}

و این جاست که می‌فهمیم چرا اسلام شطرنج را به طور کلی - حتی اگر برد و باخت و شرط بندی هم در بین نباشد - حرام می‌داند، یعنی اگر اسم شطرنج و نرد و امثال آن در میان باشد و هیچ شرط مالی و یا غیرمالی هم در کار نباشد باز اجازه نمی‌دهد، زیرا هیچ بازی شطرنجی در واقع بدون برد و باخت نیست، چیزی که هست در مواردی که پول و امثال آن در کار نباشد، این برد و باخت در فکر است، در وجود است، در اخلاق و در کمال است. لذا می‌گویند: شطرنج باز قبل از آن که ببرد یا ببازد، فکر خودش را روی میز می‌گذارد. و به تعبیر دیگر: فرض می‌کنیم که بازی شطرنج - اگر بدون برد و باخت باشد - یک نوع تقویت فکر است، اما تقویت فکر جنگجویی است، فکر ستیز، غلبه بر حریف، اسیرکردن و... مخصوصا با توجه به این که مهره های شطرنج با عناصر یک جنگ واقعی مطابقت دارد، می‌توان گفت: بازی شطرنج یک جنگ فکری است.

^{۹۲} John Hesse .

^{۹۳} اقتباس از : صفحی، محمد، شراب و قمار دو عامل فساد، انتشارات شرکت سهامس سیمان فارس و خوزستان، دورود، بی تا.

^{۹۴} Alehine .

^{۹۵} صادق رحمانی، عبدالرحمن، گنجین طلایی شطرنج، انتشارات فرزین، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۰۷.

^{۹۶} پاک نژاد، رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ۲۹۱/۱۷.

^{۹۷} صادق رحمانی، عبدالرحمن، آذربازی - بررسی‌ها و شگفتی‌های شطرنج، ص ۲۲۹.

«تارتاکوور»^{۹۸} نابغه بزرگ شطرنج جهان که در سال ۱۹۵۰ عنوان استاد بزرگ بین المللی به او داده شد،^{۹۹} نیز شطرنج را هنر جنگ و ستیز نامیده است.^{۱۰۰}

بنابراین یک شطرنج باز با فرو رفتن در بازی شطرنج همیشه خود را در یک میدان جنگ و ستیز که در صفحه‌ای ۶۴ خانه‌ای تنظیم شده، می‌بیند و دائماً در فکر اسیر کردن و غلبه بر حریف خود است. دکتر مظلومی از اساتید علوم تربیتی در این مورد می‌گوید:

شطرنج نمایش از یک نبرد قدیم طاغوتی است، نه فقط تجسم برد و باخت شرط قطعی و لازم آن است، بلکه نمایش غلبه و شکست و نمود حیات و مرگ اقتضای طبیعت آن می‌باشد.^{۱۰۱}

باید توجه داشت که اسلام هر فکر و تقویت آن را قبول ندارد. یک فرد جانی و قاتل و دزد هم با قتل‌ها، سرقت‌ها و جنایت‌ها مکرر فکر خود را تقویت می‌کند، اما فکر آدم کشی، چگونگی سرقت و راه‌های دسترسی به آن.

آیا می‌دانید که این سخن: «شطرنج یک ورزش فکری است» تنها در کشورهای اسلامی که آنرا حرام دانسته‌اند، رواج دارد و در کشورهای غیر اسلامی از ورزش فکری بودن خبری نیست و تنها آنرا به عنوان قمار می‌دانند؟ می‌دانید چرا؟ چون در کشورهای اسلامی تنها به بهانه‌های زیبا از جمله «ورزش فکری» می‌توان قمارو یا حرامی را جایز نمود و رواج داد.

ولی چه باید کرد! بزرگترین مصیبت روز این شده که برخی جوانان قول شانتال‌ها، تارتاکوورها، روان‌شناسان آمریکایی و اروپایی را می‌پذیرند و اگر آن‌ها بگویند: شطرنج ذهن را کور می‌کند و یک جنگ فکری است قبول می‌کنند، اما در پذیرفتن قول اسلام چون و چرا می‌کنند. اسلامی که سادگی‌ها و زیباییها و جامع بودن قوانین

Tartakower .^{۹۸}

^{۹۹} ربرت، ریچارد، شطرنج را از پایه بیاموزید، ص ۲۹۹

^{۱۰۰} نوایی، عبدالحسین، سیر شطرنج ایران در جهان، ص ۲.

^{۱۰۱} مظلومی، رجبعلی، بازنگری بر فعالیتهای بدنی؛ نشر آفاق، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۰۸.

آن در زمینه‌های مختلف اعتقادی، علمی، فقهی، اخلاقی و... بر اساس منطق و استدلال موجب شده که بزرگان زیادی را به سوی خود جذب کند به طوری که «دونالد» آمریکایی در علت اسلام آوردنش می‌گوید:

عوامل و جهات زیادی مرا به سوی اسلام جذب کرد که از آن جمله است: سادگی عقیده اسلامی و سهولت آن، عقیده اسلامی نه پیچدگی دارد و نه مبهم است بلکه یک ایمان ساده‌ای است که از راه عقل و دقت در نظام آفرینش برای انسان حاصل می‌شود. بسیاری از سادگی‌ها و محاسن اسلام چه در قسمت عقاید و عبادات و چه در قسمت معاملات و غیر آن باعث گردید که به اسلام معتقد گردم.^{۱۰۲}

و در جای دیگری «برنارد» می‌گوید:

به نظر من اسلام تنها مذهبی است که استعداد توافق و تسلط بر حالات گوناگون و صور متغیر زندگی و مواجهه با قرون مختلف را دارد.^{۱۰۳}

ود ر این زمینه اعترافات زیادی از دانشمندان در دست است که در کتب مربوط ثبت شده است.^{۱۰۴} با توجه به آنچه ذکر شد سوال این است: چرا در پذیرش قوانین و احکام اسلام چون و چرا می‌کنیم و همیشه منتظر هستیم ببینیم دیگران چه می‌گویند؟!

مگر نه این است که امیرالمومنین (ع) در تعریف اسلام می‌فرماید:

الاسلام هو التسليم^{۱۰۵} اسلام یعنی تسلیم در برابر خداوند بزرگ

^{۱۰۲}. قربان، زین العابدین، علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، دفتر نشر فرهنگ اسلام، تهران، ۱۳۶۱، ص ۳۳

^{۱۰۳}. قربانی، زین العابدین، علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، ص ۴۵

^{۱۰۴}. رجوع شود به: چرا مسلمان شدم، از هئت تحریریه موسسه در راه حق، انتشارات موسسه در راه حق، قم، ۱۳۶۱، چاپ پنجم

^{۱۰۵}. آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، تحقیق مصطفی درایتی، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، بی تا، ص ۸۴.

و آیا واقعا کدام مقررات و دستورات بهتر است : مقرراتی که ساخته مغز بشر است و تکیه‌گاهی ندارد و یا مقرراتی که تکیه‌گاهش منبع هستی و عین کمال است؟

حالت شطرنج باز بعد از باخت

در تایید مطالبی که در روان شناسی شطرنج بیان کردیم اشاره به حالات بعضی از شطرنج بازان بعد از باخت مناسب به نظر می‌رسد. «آلخین» که نابغه شطرنج و صاحب عنوان قهرمانی جهان بود آن چنان خودخواه و خودبین بود که هر وقت می‌باخت از فرط خشم و عصبانیت با چوب دستی خویش اثاثیه اتاق را می‌شکست.^{۱۰۶} «ریچارد رتی» که او نیز از نوابغ شطرنج جهان به شمار می‌آمد و آلخین نیز او را نابغه خوانده، بعد از هر باخت، ۲۴ ساعت خود را در یک اتاق زندانی می‌کرد.^{۱۰۷}

و از همه عجیبتر این که «جیمز بلاکبرن»^{۱۰۸} ، استاد بزرگ انگلیسی وقتی در یک بازی به «اشتای نیتس»^{۱۰۹} که در سال ۱۸۸۶ قهرمان رسمی جهان شد، می‌بازد آنچنان ناراحت می‌شود که با دستهای نیرومندش حریف خود را از روی صندلی بلند کرده و از طبقه دوم ساختمان به بیرون می‌اندازد ولی اشتای نیتس شانس آورده و زنده می‌ماند.^{۱۱۰}

اینجاست که از زبان یک شطرنج باز می‌شنویم:

اغلب شطرنج بازان بعد از هر باخت نیاز به یک هم صحبت مناسب برای روحیه از دست رفته خود دارند.^{۱۱۱} طبیعی است که این حالات منجر به ایجاد یک سری زیان‌های غیرقابل انکار اخلاقی دیگر هم می‌گردد.

^{۱۰۶} .صادق رحمانی، عبدالرحمن، آذربازی - بررسی‌ها و شگفتی‌های شطرنج، ص ۲۴۲.

^{۱۰۷} .همان ، ص ۲۴۳.

^{۱۰۸} Blackburn .

^{۱۰۹} Wilhelm steinitz.

^{۱۱۰} .صادق رحمانی، عبدالرحمن، آذربازی - بررسی‌ها و شگفتی‌های شطرنج، ص ۲۴۵.

^{۱۱۱} .ماهنامه شطرنج، شماره ۱۳۹، ص ۴۲.

اعتیاد به شطرنج

از زبان یک شطرنج باز بشنویم:

متوجه باشید که شطرنج همانند سیگار می‌تواند اعتیاد ایجاد کند و برهم زننده اساس خانواده و یا مانع خوشبختی باشد.^{۱۱۲}

شطرنج بازان حرفه‌ای و افراطی ترجیح می‌دهند تمام اوقاتی که باید پیاده روی کنند و یا استراحت کنند در فکر شطرنج باشند و یا شطرنج بازی کنند چرا که یک شطرنج باز با فرو رفتن در بازی شطرنج همیشه خود را در یک میدان جنگ و ستیز می‌بیند و این می‌تواند اساس گرم خانواده را از هم بپاشد.

این اعتیاد گاهی به جایی می‌رسد که «چانک چائو» فیلسوف چینی می‌گوید:

«اگر شطرنج وجود نداشت دلیلی برای زندگانی در دنیا برای یک انسان نبود.»^{۱۱۳}

«آدلف آندرسن»^{۱۱۴} که از نوابغ شطرنج جهان بود و با درجه استادی شطرنج از دنیا رفت به خاطر افراط و اعتیاد به شطرنج مدتی از تحصیل بازماند و شیفتگی به شطرنج جویری وی را به خود مشغول ساخت که در تمام عمر خود ازدواج نکرد و تمام انرژی و وقت خود را صرف شطرنج نمود.^{۱۱۵}

آیا اگر همین استعداد، انرژی و وقت را در زمینه تحصیل علوم و فنون به کار می‌برد مناسبتر نبود؟

تقدیم همسر برای باخت در شطرنج

^{۱۱۲} فلد، فردرین ۱۰۰۱ روش جالب برای مات کردن در شطرنج ترجمه محمد مهدی پاک فطرت، انتشارات ایران زمین، تهران، چاپ سوم، ص ۴.

^{۱۱۳} صادق رحمانی، عبدالرحمن، آذربازی - بررسی‌ها و شگفتی‌های شطرنج، ص ۲۲۹.

^{۱۱۴} adlof Anderssen

^{۱۱۵} صادق رحمانی، عبدالرحمن، گنجینه طلایی شطرنج، ص ۳۰.

اعتیاد و افراط در بازی شطرنج کار را به جایی می‌رساند که «شارل کبیر» به حریف بازی اش «گارین» اطمینان می‌دهد که اگر بازی را ببازد علاوه بر سلطنت کشور فرانسه، همسرش را نیز تقدیم وی خواهد کرد.^{۱۱۶}

و در تاریخ ثبت است که هندی‌ها نیز از اعضای بدن خود گرفته تا بانوان حرم خود را در بازی شطرنج قمار می‌گذاشتند^{۱۱۷}

در روایات ما نیز یکی از دلایل حرمت قمار، برد و باخت برسر ناموس و اموال ذکر شده است
امام صادق (ع) فرمودند:

کانت قریش تقامرالرجل باهله و ماله فنهامم الله من ذلک^{۱۱۸}

قریش بر سر زنان و اموال خود قمار می‌زند پس خداوند آنان را از این کار برحذر داشت
آیا اسلام می‌تواند اجازه دهد یک چنین وسیله‌ای به طور آزاد خرید و فروش شده و برای تفریح و سرگرمی -
حتی بدون برد و باخت- از آن استفاده گردد؟ آیا چنین اجازه‌ای زمینه را برای شیوع قمار آماده نم‌کند و
احتمال نمی‌رود که درنهایت، کار به قمار زدن بر سر زن و مال منتهی شود؟!

عاقبت شطرنج باز

یکی از مباحث روانشناسی تاثیر نامطلوب هیجان بر سلامتی انسان است. در صفحات آینده راجع به اثر هیجانات ناشی از قمار به طور مفصل صحبت خواهیم کرد.

در اینجا به مناسبت سخن درباره شطرنج همین قدر می‌گوییم: بازی شطرنج به عنوان قمار یکی از عوامل هیجان به شمار می‌رود، زیرا به قول یک شطرنج باز:

^{۱۱۶}. نقدی وند، عزیز، شطرنج از دیدگاه تاریخ و ادبیات، ص ۱۱۵.

^{۱۱۷}. مجله دانستیها، فروردین ۱۳۷۲، ص ۳۰.

^{۱۱۸}. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۲۳۴/۷۹.

شطرنج مبارزه‌ای مرتبط و تنگاتنگ با تنش و هیجان فوق العاده سیستم عصبی است.^{۱۱۹}

لذا وقتی به مطالعه و بررسی زندگانی و عاقبت کار شطرنج بازان معروف جهان می‌نگریم می‌یابیم که بسیاری از آنها در اثر شطرنج مبتلا به بیماری‌های روانی و یا قلبی شده‌اند و حتی مرگ برخی از آنها به خاطر حملات قلبی و یا مشکلات روانی بوده است.

«ویلهم اشتای نیتس» اولین قهرمان رسمی جهان در سال ۱۸۸۶، پس از یک شکست و از دست دادن مقام قهرمانی خود، تعادل روحی‌اش را از دست داد، به طوری که به خارج از شهر پناه برد و ادعای پیغمبری و نزول وحی می‌کرد و بعد هم در سال ۱۸۹۰، یعنی بعد از چهار سال، در یک آسایشگاه روانی از دنیا رفت.^{۱۲۰}

«پاول مورفی»^{۱۲۱} نابغه شطرنج جهان که در ۱۲ سالگی بازیکن معروف بود و در سال ۱۸۵۷ با شکست دادن حریفان خود قهرمان آمریکا شناخته شد، یک سال پس از کسب قهرمانی به علت یک نوع بیماری روانی فعالیت خود را در عرصه شطرنج رها کرد.^{۱۲۲}

وجالبتر این که «ایوان مخوف» تزار روسیه بر اثر علاقه شدید به شطرنج در پای صفحه شطرنج دچار حمله قلبی شد.^{۱۲۳}

«آدلف آندرسن» استاد شطرنج جهان نیز بر اثر بیماری قلبی از دنیا رفت.^{۱۲۴}

^{۱۱۹}. ماهنامه شطرنج، شماره ۱۵۱ ص ۴۷.

^{۱۲۰}. صادق رحمانی، عبدالرحمن، آذربازی - بررسی‌ها و شگفتی‌های شطرنج، ص ۲۴۶.

^{۱۲۱}. Paul Charles Morphy.

^{۱۲۲}. صادق رحمانی، عبدالرحمن، گنجینه طلایی شطرنج، ص ۴۰.

^{۱۲۳}. ربرت، ریچارد، شطرنج را از پایه بیاموزید، ص ۲۹۳.

^{۱۲۴}. نقدی‌وند، عزیز، شطرنج از دیدگاه تاریخ و ادبیات، ص ۱۱۶.

کوتاه سخن این که قهرمانان بزرگی مانند «ریچارد رتی» که آلتین نیز او را نوابغ خوانده و یا مثل «آرون نیمزوویچ»^{۱۲۵} که قبل از ۲۰ سالگی از قهرمان بزرگ شطرنج جهان شد کمتر از ۵۰ سال عمر کرده‌اند. رتی در سن چهل سالگی و آرون در سن ۴۹ سالگی از دنیا رفت.^{۱۲۶}

در پایان لازم است به عاقبت کار آلتین -تابغه بزرگ جهانی شطرنج که بر روی مجسمه اش که بر روی مجسمه- اش که برک روی قبر او ساخته شده، جمله: «الکساندر آلتین قهرمان شطرنج جهان» دیده می‌شود- اشاره کنیم. او که در ۱۶ سالگی موفق به اخذ درجه استادی در عرصه شطرنج گردید، در اثر افراط در بازی شطرنج خصوصا بازی‌های چشم بسته - به زودی به اثرات آن اشاره خواهیم کرد - به ضعف جسمانی و خستگی بیش از حد مغز و اعصاب و روان مبتلا گشت، به طوری که به تدریج به مشروبات الکلی و سیگار متوسل شد و سلامت خود را از دست داد.^{۱۲۷} بعد هم در سال ۱۹۴۶ تنها وبدون دوست در حالی که حتی پول کافی برای خرید سیگار نداشت از دنیا رفت.^{۱۲۸}

ودرنقلی دیگر مرگ او را در شبی که مشغول مسابقات قهرمانی بود به خاطر سکت قلبی ذکر کرده‌اند.^{۱۲۹}

بازی‌های چشم بسته

یک نوع از بازی‌های شطرنج بازی با چشم بسته است که بازیکن باید صفحه شطرنج را در نظر مجسم کرده و حرکات را به وسیله شخص دیگری که به فرمان اوست انجام دهد و درعین حال از حرکات مهره‌های حریف نیز آگاه گردد.

^{۱۲۵} Aaron Isayevich Nimzowitsch.

^{۱۲۶} صادق رحمانی، عبدالرحمن، گنجینه طلایی شطرنج، صص ۴۳۲ و ۵۴۳.

^{۱۲۷} صادق رحمانی، عبدالرحمن، گنجینه طلایی شطرنج، صص ۱۰۸ و ۱۱۰.

^{۱۲۸} ربرت، ریچارد، شطرنج را از پایه بیاموزید، صص ۳۰۲.

^{۱۲۹} فلده، فردرین، ۱۰۰۱ روش جالب برای مات کردن در شطرنج، صص ۱۰.

در این نوع بازی خصوصا اگر به صورت سیمولتانه «بازی یک نفر بارگروه» باشد، فشار فوق العاده‌ای به مغز و اعصاب وارد می‌شود و سلامت بازیکنان را به خطر می‌اندازد. به همین جهت سالهاست از طرف فدراسیون جهانی شطرنج ممنوع گردیده است.

یک مفسر روزنامه در موقعی که آلخین رکورد جهانی بازی چشم بسته همزمان با ۳۲ نفر را به دست آورده بود چنین اظهار نظر کرد:

بازی چشم بسته از این رقم بالاتر غیر ممکن بوده و کار را به جنون خواهد کشانید.^{۱۳۰}

گرچه این رکورد بعدها تا ۵۲ نفر ارتقاء یافت اما اظهار نظر این روزنامه‌نگار خطر فوق العده این نوع بازی را از حیث مصرف انرژی و فشار زیاد بر مغز و اعصاب به خوبی بیان می‌کند.

تحقیقات نیز نشان داده است که شطرنج بیشتر از فوتبال و بوکس انرژی لازم دارد و هر بازی شطرنج-خصوصا بازی چشم بسته - مقدار زیادی از انرژی بدن را مصرف می‌کند.^{۱۳۱}

به گزارش پزشکان، بازیکن یک پارتی پنج ساعته شطرنج به اندازه یک بوکسور در طول راندهای مسابقه انرژی مصرف می‌کند.^{۱۳۲}

«لوئیز پائولسن» که از قهرمانان شطرنج چشم بسته است روزی در یک بازی دو ساعت فکر می‌کند به طوری که مورد اعتراض «دیدرو»^{۱۳۳} انقلابی معروف فرانسه قرار می‌گیرد که چرا نیروی مغزی خود را به جای چیزهای معقول در بازی چشم بسته شطرنج صرف و تلف می‌کند که فایده هم نمی‌برد؟!^{۱۳۴}

^{۱۳۰} صادق رحمانی، عبدالرحمن، شطرنج چشم بسته، انتشارات دنیا، تهران، ۱۳۷۷، ص ۲۹.

^{۱۳۱} همان، ص ۳۱۹.

^{۱۳۲} مجله دانستنیها، فروردین ۱۳۷۲، ص ۳۲.

^{۱۳۳} Diderot.

^{۱۳۴} صادق رحمانی، عبدالرحمن، شطرنج چشم بسته، ص ۹۷.

طولانی ترین بازی‌ها

طولانی‌ترین بازی انفرادی از لحاظ تعداد حرکات تا سال ۱۹۵۰، بازی بین «پیلینک» و «چرنیاک» در مسابقات بین‌المللی «ماردل پلاتا» بود که ۱۹۱ حرکت انجام شد و بالاخره پس از ۲۲ ساعت بازی و مبارزه، طرفین به تساوی رضایت دادند.^{۱۳۵}

و طولانی‌ترین بازی انفرادی از لحاظ زمانی، بازی بین‌المللی بین «دوراس» و «ولف» در سال ۱۹۰۷ می‌باشد که پس از ۲۲ ساعت و ۵۰ دقیقه مقابله سرسختانه بالاخره «دوراس» در حرکت ۱۶۸ بازی را واگذار می‌نماید.^{۱۳۶} اما در بازی‌های سیمولتانه (دسته جمعی) «بویان کورائیجا» قهرمان اسبق جوانان جهان، همزمان با ۶۶۶ نفر بازی کرد که پس از ۲۶ ساعت بازی بدون وقفه و انجام ۱۲۴۴۹ حرکت نتیجه بازی ۵۷۰ برد برای بویان بوده است.^{۱۳۷}

از شما می‌پرسیم: آیا مدت ۲۲ یا ۲۶ ساعت می‌توان اعصاب خود را حفظ کرد و برآن مسلط شد؟!

آیا اگر می‌شنویم مرگ بعضی از شطرنج‌بازان به علت بیماریهای روانی و اعصاب بوده تعجب آور است؟^{۱۳۸}

آیا همین بازی است که فکر را بازمی‌کند در حالی که جیمز بعد از باخت در یک بازی حریف خود را از طبقه دوم ساختمان به پایین پرتاب می‌کند؟!^{۱۳۹}

آیا همین بازی یک هنر فکری است که شطرنج‌باز حاضر می‌شود در صورت باخت، همسر خود را تقدیم؟!^{۱۴۰}

آیا نام این بازی را باید هنر فکری گذاشت یا هنر ضد عقل و فکر؟!

^{۱۳۵}. صادق رحمانی، عبدالرحمن، آخربازی، بررسی‌ها و شکفتیهای شطرنج، ص ۳۰۹.

^{۱۳۶}. صادق رحمانی، عبدالرحمن، گنجینه طلایی شطرنج، ص ۶۶۹.

^{۱۳۷}. ماهنامه شطرنج، آذر ۱۳۷۰، ص ۵.

^{۱۳۸}. ر.ک: ص ۹۱ از همین نوشتار.

^{۱۳۹}. ر.ک: ص ۸۷ از همین نوشتار.

^{۱۴۰}. ر.ک: ص ۸۹ از همین نوشتار.

آیا تاکنون شنیده‌اید که دانشمندان رشته‌های مختلف علمی در ابتدا شطرنج باز بوده و از بازی با شطرنج به تخصص در رشته‌های علمی دست یافته‌اند؟ کدام دانشمند، شطرنج باز بوده و کدام شطرنج باز دانشمند گردیده است؟

در سرگذشت کدام مخترع و یا مکتشف خوانده‌اید که جزء قهرمانان شطرنج بوده است؟

آیا تاکنون فکر کرده‌اید که چرا وقتی به قهرمانان و نوابغ شطرنج جهان نظر می‌کنیم نامی از کشور ژاپن که او را پیشقدم در بیشتر علوم و فنون می‌دانیم به چشم نمی‌خورد؟ آیا واقعا به خاطر کم‌هوشی آنهاست که نامی در بین قهرمانان و نوابغ شطرنج ندارند؟^{۱۴۱}

شایسته است بدانیم که: زیانهای ناشی از شطرنج به حدی است که یک اسقف فرانسوی در زمان «فیلیپ اوگوست»^{۱۴۲} فرمانی را درخصوص ممنوعیت شطرنج صادر، و شطرنج بازان را به جریمه نقدی محکوم نمود.^{۱۴۳} دادگاه‌های بریتانیا نیز کارگران را به خاطر بازی شطرنج جریمه می‌کردند و می‌گفتند: این گونه کارگران از کارشان دزدیده و آنها صرف بازی می‌کنند.

بازرگانان فرانسوی نیز از کارمندان خود تعهد کتبی می‌گرفتند که هرگز در محیط کار شطرنج بازی نکنند.^{۱۴۴} در پایان این بخش با توجه به این که شطرنج در روایات ما یکی از آلات قمار شمرده شده است مناسب می‌دانیم به قسمتی از آثار شوم و مفاسد و عواقب قمار نیز به طور فشرده اشاره‌ای داشته باشیم:

قمار، بزرگترین عامل هیجان

^{۱۴۱}. برای آگاهی از قهرمانان شطرنج جهان رجوع شود به کتاب: نقدی وند، عزیز، شطرنج از دیدگاه تاریخ و

ادبیات

^{۱۴۲}. Philippe Auguste

^{۱۴۳}. یکتایی، مجید، تاریخ شطرنج، ص ۱۴۸

^{۱۴۴}. نقدی وند، عزیز، شطرنج از دیدگاه تاریخ و ادبیات، ص ۱۱۶.

کلیه روانشناسان و دانشمندان پسیکولوژی معتقدند که هیجانات روانی عامل اصلی بسیاری از بیماری‌ها مانند کم شدن ویتامین‌ها، جنون و دیوانگی، بیماری‌های عصبی و روانی به صورت خفیف و حاد، حملات قلبی و... می‌باشد و بدون شک قمار یکی از بزرگترین عوامل پیدایش هیجان است تا آنجا که یکی از دانشمندان آمریکایی می‌گوید:

در هر سال در این کشور فقط دو هزار نفر در اثر هیجان قمار می‌میرند، و به طور متوسط قلب یک پوکرباز- یک نوع بازی قمار- متجاوز از صدبار در دقیقه می‌زند. قمار گاهی سکتة قلبی و مغزی ایجاد می‌کند و قطعاً عامل پیری زودرس می‌باشد.

به علاوه ، به گفته دانشمندان ، شخص که مشغول بازی قمار است نه تنها روح وی دستخوش تشنج است بلکه تمام جهازات بدن وی نیز در یک حالت فوق العاده به سر می‌برند ، ضربان قلب بیشتر می‌شود در ترشحات غدد داخلی اختلال ایجاد می‌شود، رنگ صورت می‌پرد، دچار بی‌اشتهایی می‌شود، و پس از پایان قمار به دنبال یک جنگ اعصاب و حالت بحرانی به خواب می‌رود و غالباً برای تسکین اعصاب و ایجاد آرامش در بدن به الکل و سایر مواد مخدر متوسل می‌شود^{۱۴۵} که در این صورت زیان‌های ناشی از این شیوه درمان را نیز باید به زیان‌های مستقیم قمار اضافه کرد.

از زبان دانشمندان دیگری می‌خوانیم : قمار باز انسانی مریض است که دائماً احتیاج به مراقبت روانی دارد. فقط باید سعی کرد که به او فهماند که یک خلا روانی وی را به سوی این عمل ناهنجار سوق می‌دهد تا درصد معالجه خویش برآید. یکی از بزرگترین موسسات آمارگیری آمریکا ثابت کرده است که ۳۰ درصد جنایات قمار رابطه مستقیم دارد و از عوامل به وجود آوردن ۷۰ درصد جنایات دیگر نیز به شمار می‌رود. طبق آماري که بعضی از محققان در زمینه جرائم قماربازان تهیه کرده‌اند ، بانهایت تاسف می‌بینیم که ۹۰ درصد جیب برها،

^{۱۴۵} چنان که در زندگی آلتخین شطرنج باز معروف جهان این مطلب دیده می‌شود و از نظر خوانندگان گذشت ر.ک : ص ۹۲ از همین نوشتار.

۱۵ درصد جرائم جنسی، ۱۰ درصد فسادهای اخلاقی، ۳۰ درصد از طلاقتها، ۴۰ درصد از ضرب و جرحها و ۵ درصد از خودکشیها به خاطر قمار صورت گرفته است.

مثلا در گزارش ها چنین آمده است: در شهر مونت کارلو که یکی از بزرگترین مراکز قمار معروف در دنیاست یک نفر در مدت ۱۹ ساعت قمار بازی چهارمیلیون تومان ثروت خود را از دست داد (البته این مبلغ مربوط به حدود ۴۰ سال پیش بوده و اگر بخواهیم الان محاسبه کنیم باید به ۴ میلیارد یا حداقل ۴۰۰ میلیون تعبیر کنیم) وقتی درهای قمارخانه بسته شد یک راست به جنگل رفت و با یک گلوله مغز خویش را متلاشی کرد و به زندگی خود خاتمه داد. گزارش دهنده اضافه می کند: جنگلهای مونت کارلو بارها شاهد خودکشی این «پاکپازها» بوده است.

از این بالاتر، یکی از عادهای ناپسند و شرم آور قماربازی در بعضی از قمارخانه ها ، قمار بر سر زن است که نمونه های زیادی از آن در بین قماربازان دیده می شود و در صفحات گذشته تحت عنوان: تقدیم همسر برای باخت در شطرنج ، نمونه ای از این موارد را ذکر کردیم.^{۱۴۶}

خلاصه کلام آن که زیانهای ناشی از قمار به حدی است که حتی بسیاری از کشورهای غیر اسلامی آن را قانونا ممنوع اعلام نموده اند، اگرچه عملا به طور وسیع آن را انجام می دهند. مثلا در انگلستان در سال ۱۸۵۳ و در آمریکا در سال ۱۸۵۵ و در آلمان در سال ۱۸۷۲ و .. قمار ممنوع اعلام کردند.^{۱۴۷}

سوال مهم

شاید این سوال برای عده ای پیش آید که هیجان و تشنج جرم و جنایت و خودکشی ، اختلالات روانی و فکری، فشارهای مغزی و عصبی، شرطهای قبیح و غیر اخلاقی و سایر آثار و مفاصدی که در این بخش برای شطرنج و امثال آن و به طور کلی برای قمار ذکر شد، اغلب مربوط به قمارهایی است که با برد و باختهایی کذایی همراه باشد، اما همین شطرنج و مانند آن اگر بدون برد و باخت و صرفا به عنوان یک تفریح و سرگرمی و یا به عنوان

^{۱۴۶} ر.ک : ص ۸۹ از همین نوشتار

^{۱۴۷} . برگرفته از : مکارم شیرازی، ناصر، تفسیرنمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا، صص ۷۷-۷۹.

یک ورزش انجام گیرد، آیا باز هم اسلام با آن مبارزه کرده و آن را ممنوع دانسته است؟ خصوصا با توجه به این که امروزه به صورت یک نوع وسیله ورزش فکری درآمد و در دستگاههای فرهنگی شیوع پیدا کرده است؟

جواب

در پاسخ این عده باید گفت:

اولا: احکام شرعی دین مبین اسلام از علم نامحدود الهی که محیط بر همه مصالح و مفاسد بندگان است سرچشمه گرفته و مسلما متضمن حفظ مصلحت و دفع مضرت بشر تا روز قیامت است، هرچند ممکن است عقول ناقص بشری در برهه ای از زمان مصلحتی را مفسده و یا مفسده ای را مصلحت تلقی نماید.

بنابراین اگر فرض بر این باشد که اسلام به طور کلی چه با برد و باخت و چه بدون آن استفاده از آلات قمار و از جمله شطرنج را ممنوع ساخته، مقتضای عبودیت آن است که با جان و دل پذیرفته و بدان ملزم شویم چرا که ما تنها به اندازه اطلاعات و به میزان معلومات بشری در هر عصر و زمان می توانیم فلسفه و اسرار احکام الهی را بیابیم و اصولا با عمق و وسعت دستورات الهی و محدودیت علوم ما نباید غیر از این انتظار داشت.

ثانیا: در صفحات گذشته به طور مفصل و مشروح آثار و مفاسد شطرنج را از دیدگاه کارشناسان و قهرمانان معروف شطرنج جهان در زمینه های مختلف بیان کردیم و دیدیم که شطرنج - هرچند بدون برد و باخت باشد- نه تنها نیروی فکر را افزایش نمی دهد و یک ورزش فکری نیست بلکه یک بازی خسته کننده است که سایر قوای ذهنی را از کار می اندازد و دیگر فعالیت های فکری را مختل می کند و فشارهای فوق العاده ای بر مغز و اعصاب وارد می سازد.

ثالثا: اسلام به منظور مبارزه اساسی با قمار و جلوگیری از آن، قمار را مطلقا تحریم نموده تا بدین وسیله ریشه قمار از میان جامعه کنده شده و مردم از آن متنفر باشند. از اینرو می بینیم شطرنج و نرد و بازی با آنها را هر چند بدون برد و باخت و شرط بندی باشد و فقط اسم آنها در میان باشد حرام شمرده^{۱۴۸} تا مردم به کلی و به

^{۱۴۸}. این مطلب در بخش پنجم (شطرنج از دیدگاه فقه و فقها) به طور مفصل بیان خواهد شد.

هر نوع و انگیزه‌ای که باشد گرد این وسائل فساد نگردند و بدان نزدیک نشوند. بدیهی است که برای مبارزه اساسی با یک چنین بلای شایع و شومی جز این نوع قانون و روش حاد، اقدام دیگری نتیجه بخش نیست. اگر وسائل قمار در میان مردم به طور آزاد خرید و فروش شده و در خانه‌های نگهداری شود و برای تفریح و سرگرمی حتی بدون برد و باخت و شرط بندی از آن استفاده شود بدون شک این وضع زمینه را برای شیوع قمار آماده می‌سازد که در آن صورت جلوگیری از آن بسیار مشکل خواهد بود. برای همین اسلام با اصل و ریشه آن مبارزه کرده و با تحریم قطعی و کلی آن زمینه شیوع قمار را از بین برده است.

چنانچه اسلام در زمینه مبارزه با شرک و بتپرستی نیز همین راه را پیموده و روی این اصل اساسی هر نوع مجسمه‌سازی را هرچند برای مقاصد هنری باشد- و نه برای پرستش- ممنوع ساخته^{۱۴۹} تا از این راه ریشه بت پرستی از بین مردم رخت بریندد و هیچ گونه تشابهی در این میان باقی نماند آنچنان که این گونه پرستش تقریباً از جوامع رخت بریسته است.

و از این قبیل، در قوانین و احکام اسلامی فراوان یافت می‌شود. از این گذشته در عرف تربیتی ما انسانها نیز این قانون وجود دارد چنان که می‌بینیم پدر مهربان کودک خود را حتی از نزدیک شدن به وسیله‌ای که احتمال خطر در آن می‌دهد بر حذر می‌دارد.

شطرنج با کامپیوتر

با توجه به آنچه در این بخش گذشت به خوبی روشن شد که هیجان و تشنج، اختلالات روانی و فکری فشارهای مغزی و عصبی، و سایر آثار و مفاصدی که براس شطرنج و قمار ذکر شد در مورد بازی شطرنج با کامپیوتر نیز صادق بوده و از اینجهت فرقی بین بازی شطرنج با مهرها یا با کامپیوتر به نظر نمی‌رسد.

از نظر فقهی نیز گرچه عده‌ای از فقها جواز آن را بعید ندانسته‌اند و لکن بسیاری از مراجع عظام تقلید فرقی بین بازی با کامپیوتر و غیر آن نگذاشته‌اند که در بخش پایانی بعضی استفتائات در این زمینه خواهد آمد.

چکیده بخش چهارم

آیا شطرنج تقویت کننده نیروی فکر است؟

در جواب این سوال می توان اثرات بازی شطرنج و پیامدهای آنرا در بعد فکری و عقلی از دیدگاه روانشناسان کارشناسان و قهرمانان شطرنج جهان چنین توصیف کرد:

بسیار خسته کننده ، خطرناک، نابودکننده سایر منابع و فعالیتهای ذهنی ، موجب اختلال حواس ، منشاء ایجاد انگیزه زشت اسارت و پدرکشی، موجب بروز عواطف نامطلوب ، منشاء ایجاد تنفراز حریف ، اعتیاد آور، مانع خوشبختی و موجب تزلزل بنیان خانواده و ...

بنا به نظر کارشناسان حتی افراد کودن و کم هوش نیز به خوبی می توانند شطرنج بازی کنند به طوری که دیوانگان بر دانشجویان پیروز می شوند.

واقعا این بازی چه زیبا فکر را تقویت می کند!! و چه زیبا فکر یک شطرنج باز تقویت می گردد آنجا که حاضر است اعضای خود را و بالاتر از آن همسر خود را در معرض برد و باخت قرار دهد و یا پس از باخت از فرط خشم و غضب لوازم اطراف خود را بشکند و یا خود را برای مدتی زندانی کند و حتی حریف خود را از طبقه دوم به بیرون پرتاب کند و در نهایت مبتلا به بیماریهای روانی، عصبی و حملات قلبی و مرگ نابه هنگام گردد؟! یک ضرب المثل فرانسوی می گوید: اگر قلب مهربانی داشته باشی نمیتوانی شطرنج بازی کنی.

بازی شطرنج بر فرض که یک نوع تقویت فکر باشد تقویت فکر جنگجویی و ستیز است و تقویت هر فکری پسندیده نیست باید فکر انسانیت ، دوستی و صمیمیت ، صلح و صفا را تقویت کرد و هیچ کدام از اینها از یک بازی جنگی به دست نمی آید. شاید یکی از فلسفه های ممنوعیت شطرنج همین جنگ فکری آن باشد.

بخش پنجم

شطرینچ از دیدگاه فقه و فقها

علما و مراجع عظام تقلید از قدیم الایام تا زمان حاضر در حرمت بازی با آلات قمار - از جمله شطرنج - اتفاق نظر داشته اند.^{۱۵۰}

البته در فتاوی بعضی از مراجع تقلید به جمله‌ای برخورد می‌کنیم که به عنوان شرط جواز بازی با شطرنج ذکر کرده‌اند و ممکن است عده‌ای بدون توجه و تأمل در مفاد آن جمله شرطیه آنرا دستاویزی برای جواز بودن شطرنج قرار دهند و حال آنکه در صورت دقت در عبارت درخواستی یافت که هیچگونه اختلاف نظری بین مراجع عظام در این زمینه وجود ندارد.

توضیح فتاوی مراجع تقلید پیرامون شطرنج

برای توضیح مطلب ابتدائاً لازم است نظر مراجع تقلید را در مساله شطرنج و بازی با آلات قمار بیان کنیم. حاصل فرمایش علما این است که :

بازی با شطرنج و هرچه که به عنوان آلت قمار شناخته شده باشد مثل نرد و پاسور و ... مطلقاً چه برد و باخت و چه بدون برد و باخت حرام است. اما اگر بازی شطرنج و یا هر بازی دیگری که به عنوان آلت قمار شناخته شده روزی از آلت قمار بودن خارج گردد و به عنوان یک بازی فکری و یا ورزش شناخته شود بازی با آن بدون برد و باخت اشکالی ندارد.^{۱۵۱}

همانطور که ملاحظه کردید در این مساله جمله‌ای به عنوان شرط جواز ذکر شده که نیاز به توضیح بیشتری دارد تا دستاویزی برای جواز و حلیت شطرنج قلمداد نگردد. لذا در توضیح مطلب می‌گوییم: این حکم - یعنی

^{۱۵۰} از خوانندگان محترم به جهت استفاده بعضی از اصطلاحات علمی در این بخش پوزش میطلبیم و مطالعه آنرا خصوصاً به دانشجویان علوم دینی توصیه می‌کنیم.

^{۱۵۱} همانطور که در اول بحث گذشت آنچه به عنوان شرط جواز ذکر شد در فتاوی بعضی از مراجع عظام تقلید دیده می‌شود اما به زودی روشن خواهد شد که اطلاق حرمت در فتاوی دیگران نیز علی القاعده باید منصرف به همین شرط باشد.

همان چه که به عنوان شرط جواز برای بازی شطرنج ذکر گردیده است - مبتنی بر یک قاعده علم اصول است و آن اینکه :

اگر حکمی بر موضوعی به عنوان خاص بار شود با زوال آن عنوان از موضوع حکم نیز قهرا مرتفع خواهد شد. و به عبارت علمی: «انسلاخ عنوان از موضوع مستلزم انسلاخ قهری حکم از آن موضوع است در صورتی که موضوع با همان عنوان مصب حکم باشد».

دومثال

۱- آب انگور اگر تحت شرایطی تبدیل به شراب گردد بدون اشکال حکم حرمت و نجاست بر آن یار می‌شود. اما اگر فرض کردیم همین مایع که الان عنوان شراب بر آن صادق است بر اثر مرور زمان تبدیل به سرکه گردد آیا باز هم حکم حرمت و نجاست بر آن مترتب می‌شود؟ مسلماً خیر، به جهت این که آن مایع حرام است و نجس که عنوان شراب بر آن صادق باشد و مفروض این است که این مایع بر اثر مرور زمان سرکه شده و دیگر عنوان شراب بر آن صادق نیست بنابراین حکم حرمت و نجاست نیز خود به خود مرتفع خواهد شد.

۲- انسان کافر در شرع مقدس اسلام محکوم به نجاست است به این معنی که حکم نجاست بر انسان معنون به کفر حمل می‌شود. حال اگر فرض کردیم روزی همین انسان کافر مسلمان شود و عنوان کفر از او منسلخ و جدا گردد قهرا حکم نجاست نیز از او مرتفع خواهد شد زیرا این حکم یعنی نجاست مترتب بر انسانی است که عنوان کافر بر او صادق باشد و مفروض این است که این شخص مسلمان شده و دیگر عنوان کافر بر او اطلاق نمی‌شود بنابراین حکم نجاست نیز قهرا منتفی خواهد شد.

حال با توجه به آنچه ذکر شد می‌گوییم : شطرنج در شرع مقدس اسلام محکوم به حرمت است. به عبارت دیگر شطرنج موضوعی است که شارع مقدس حکم حرمت را بر آن حمل کرده است لکن این حرمت در صورتی است که عنوان قمار بر آن صادق باشد یعنی به عنوان یک آلت قمار شناخته شود. بنابراین اگر فرض شود روزی عنوان این قمار از این بازی زائل گردد یعنی از آلت قمار بودن خارج شده و مثلاً به صورت یک ورزش

درآید بدون اشکال حکم حرمت آن از بین خواهد رفت طبق همان قاعده علمی که ذکر شده (انسلاخ عنوان از موضوع موجب انسلاخ قهری حکم از آن موضوع است در صورتی که موضوع با همان عنوان تحت حکم رفته باشد)

البته توجه به این نکته مهم لازم است که زوال عنوان قمار از یک بازی و به عبارت دیگر خروج از آلات قمار بودن دو شرط اساسی دارد که باید توجه داشت که اگر حتی یکی از دو شرط هم محقق نشود حکم حرمت باقی خواهد ماند.

دو شرط اساسی برای جواز شطرنج

شرط اول

خارج شدن یک بازی از آلات قمار بودن در صورتی حاصل می‌شود که در سطح جهانی و در هیچ کشوری قمار با آن متعارف نباشد. به عبارت دیگر در هیچ کجا به عنوان آلت قمار شناخته نشود. بنابراین اگر در بعضی از مراکز دنیا این بازی را از آلات قمار بدانند و قمار با آن متعارف باشد همین مقدار در بقای حرمت آن کفایت می‌کند زیرا هنوز هم عنوان آلت قمار بران صدق می‌کند.

شاهد براین مدعا فتوای بعضی از فقهای عظام است که در آنها به این شرط تصریح شده است و ما به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

الف) ایة الله العظمی تبریزی:

زمانی که شطرنج از وسیله قمار بودن خارج شود، به طوری که اصلاً با آن در هیچ شهری قمار بازی نشود بازی با آن بدون شرط بندی اشکال ندارد^{۱۵۲}

^{۱۵۲} خوئی، ابوالقاسم، صراط انجاه فی اجوبه الاستفتائات، با تعلیقات جواد تبریزی، نشر برگزیده، قم،

۱۴۱۶ق، القسم الاول ص ۳۷۵، سوال ۱۰۳۱.

ب) ایةالله العظمی سیستانی:

تا مادامی که در سطح جهانی از وسیله قمار بودن خارج نشده حرام است^{۱۵۳}

ج) مقام معظم رهبری ایةالله خامنه‌ای:

در جواب از این سوال که معیار خروج از آلت قمار چیست ایشان فرموده‌اند: «باید درهمه جا از آلت قمار

بودن خارج شده باشد»^{۱۵۴}

شرط دوم

خروج یک بازی از عنوان آلت قمار بودن در حالی که قبلاً بطور مسلم از آلات قمار بوده باید به طور قطع و یقین احراز گردد و صرف گمان یا احتمال و یا مشهور بودن این مطلب کفایت نمی‌کند، زیرا قبلاً به طور یقین از آلات قمار بوده و یقین را نمی‌توان با گمان و احتمال ولو این که گمان و یا احتمال بسیار قوی باشد - نقض کرد بلکه فقط یقین است که می‌تواند یقین سابق رانقض کند.

بنابراین تا یقین نکنیم که این بازی از آلت قمار بودن خارج گردیده آن هم با توجه به معنایی که برای تحقق خروج در شرط اول گفتیم نمی‌توانیم به جواز و حلیت آن حکم کنیم.

در فتوای برخی از مراجع تقلید به این شرط نیز تصریح شده است که:

الف) در فتوای مرحوم امام خمینی آنجا که می‌فرمایند: در صورتی عدم احراز باید بازی نکنند» که در صفحات آینده به طور مفصل خواهد آمد.

ب) ایةالله العظمی تبریزی:

^{۱۵۳} شرط بندی و قمار (شطرنج) از نشریه مذهبی نور، ص ۱۳

^{۱۵۴} همان ص ۱۹.

«مشهور شدن به خروج شطرنج از آلت قمار کافی نیست در جواز بازی با آن تا زمانی که علم و یقین به این مطلب حاصل نشده باشد»^{۱۵۵}

ج) مقام معظم رهبری آیه الله خامنه‌ای :

«برای مکلفی که احراز و یقین کرده مهره‌های شطرنج از آلت قمار بودن خارج شده و فرد دیگری با آن قمار بازی نمی‌کند بازی با آن بدون قصد برد و باخت اشکال ندارد»^{۱۵۶}

حال با توجه به این دو نکته اساسی آیا واقعا کسی می‌تواند ادعا کند شطرنج آلت قمار بودن خود را از دست داده و به صورت یک ورزش فکری درآمده است؟ و آیا می‌توان ادعا کرد که در هیچ کجای دنیا با این وسیله قماربازی نمی‌شود؟ مگر نه این است که در همین کشورهای اسلامی خودمان فراوان با این وسیله قمار می‌شود؟ چنان که آمار موجود در این زمینه گواه بر این مطلب است . مالکم کیف تحکمون!؟

سوال مهم

بعضی می‌گویند: ما همه آن چه را که ذکر شد قبول داریم اما با شطرنج به عنوان یک بازی تفریحی و بدون شرط بندی و برد و باخت بازی می‌کنیم ، آیا باز هم اشکالی دارد؟

جواب: آنچه که به عنوان شرط جواز و حلیت شطرنج ذکر شد همه در صورتی است که بدون شرط بندی و برد و باخت باشد. به این معنی که اگر بر فرض توانستیم اثبات کنیم که شطرنج از آلت قمار خارج شده و به صورت یک بازی فکری درآمده در این صورت است که بازی با آن بدون شرط بندی و برد و باخت بدون هیچ قید و شرطی حرام است، این حکم اختصاص به بازی شطرنج ندارد بلکه هر بازی دیگری حتی مثل فوتبال و امثال

^{۱۵۵}. خوئی، ابوالقاسم ، صراط انجاء فی اجوبه الاستفتاءات، با تعلیقات جواد تبریزی، انتشارات الصدیقه الشهیده قم ۱۴۱۸ق القسم الثالث ص ۲۲۸ ، سوال ۶۸۰.

^{۱۵۶}. بنی هاشمی خمینی، محمد حسن، توضیح المسائل مراجع، ج ۲ ص ۸۱۰ و ۸۱۴.

آن اگر با شرط بندی و برد و باخت مالی یا غیر مالی همراه باشد حرام خواهد بود، چنانچه در مقدمه بخش دوم یکی از ملاکهای حرمت بازیها را شرط بندی و برد و باخت ذکر کردیم.^{۱۵۷}

در سوالی هم که از مرحوم امام در این مورد می‌شود که آیا ورزشی که در آن برد و باخت مطرح است مثل مسابقات فوتبال و والیبال و ... اشکال دارد؟

ایشان در جواب می‌فرمایند: اگر برای برنده چیزی را مقرر کنند (یعنی همراه با شرط بندی مالی یا غیر مالی باشد) حرام است.^{۱۵۸}

ممکن است در اینجا سوال دیگری پیش آید و آن اینکه: چرا اسلام شطرنج را حتی بدون برد و باخت حرام کرده در حالی که اگر واقعا به عنوان تفریح و سرگرمی با آن بازی شود نمیبایست مفسده‌ای بر آن مترتب گردد؟ جواب این سوال مفصلا در پایان بخش چهارم داده شد.^{۱۵۹}

چکیده بخش پنجم

آنچه مسلم است علما از دیرباز نسبت به حرمت بازی شطرنج با عنایت به این که از آلات قمار باشد اتفاق نظر داشته‌اند.

سخن در این که چه شرایطی میبایست تحقق یابد تا حرمت آن تبدیل به جواز آنهم بدون برد و باخت گردد؟ و آیا آن شرایط تحقق پذیرفته است؟ از فتاوی‌ای علما به دست می‌آید که هرگاه شطرنج به صورت قطع و یقین آن هم در سطح جهانی از آلت قمار بودن خارج شود و تنها به عنوان مثلا یک بازی شناخته شود می‌توان حکم به جواز بازی با آن بدون برد و باخت نمود و تحقق این امر اول سخن است.

^{۱۵۷}. ر.ک: ص ۳۹ همین نوشتار

^{۱۵۸}. خمینی، روح الله، استفتائات، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۲، ۹/۲

^{۱۵۹}. ر.ک: ص ۱۰۱ از همین نوشتار

سخن دیگر این که اگر یک بازی به عنوان قمار شناخته شد بازی با آن به هر شکلی ولو بدون برد و باخت و تنها برای تفریح و سرگرمی و حتی با انگیزه استفاده از منافع احتمالی و فرضی آن حرام است و شرط بندی و برد و باخت در بازی شطرنج حرمت آنرا تقویت و جنبه حرمت را متعدد می کند نه اینکه بدون آن جایز باشد.

بخش ششم

شایعه تجویز شطرنج از نامیه امام خمینی

در شهریور ماه سال ۱۳۶۷ از محضر بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی استفتایی در مورد شطرنج مطرح شد و ایشان هم پاسخ دادند. همین سوال و جواب به دلیل عدم فهم درست و محتملا فرصت طلبی بعضی از افراد دستاویزی برای تجویز و حلیت و اشاعه شطرنج واقع شد. عده‌ای هم که دنبال بهانه‌ای در این زمینه بودند با طرح این مساله که امام خمینی شطرنج را حلال فرموده‌اند به سرعت آنرا به عنوان یک رشته ورزشی در کنار سایر ورزش‌ها در مجامع فرهنگی کشور وارد کردند و برای ترویج آن تبلیغات گسترده‌ای انجام شد.

مناسب به نظر می‌رسد در ابتدا متن آن سوال و جواب را بیاوریم سپس به توضیح و تحلیل مطلب بپردازیم .

پاسخ امام به دو سوال فقهی

روزنامه جمهوری اسلامی در جدول «اخبار روز» مورخ بیستم شهریور ۱۳۶۷ تحت عنوان: «پاسخ امام امت به دو سوال فقهی» دو استفتا از محضر مرحوم امام به همراه جواب آنها چاپ نمود که سوال اول مربوط به خرید و فروش آلات مشترک موسیقی بود و از محل بحث ما خارج است و سوال دوم مربوط به بازی شطرنج بود . متن استفتای دوم و جواب مرحوم امام از قرار ذیل است:

«س: ۳- اگر شطرنج آلت قمار بودن خود ا به طور کلی از دست داده باشد و چون امروزه تنها به عنوان یک ورزش فکری از آن استفاده گردد، بازی با آن چه صورتی دارد؟

جواب: بسمه تعالی- برفرض مذکور اگر برد و باختی در بین نباشد اشکال ندارد»^{۱۶۰}

سپس در مهر ماه همان سال این سوال و جواب مورد نقد یکی از فضلاء حوزه علمیه قم حجه الاسلام والمسلمین قدیری قرار گرفت و ایشان طی نامه‌ای به مرحوم امام سوالاتی نقدآمیز مطرح کرد که در مورد شطرنج این چنین آمده است:

^{۱۶۰} روزنامه جمهوری اسلامی ، یکشنبه ۱۳۶۷/۶۰/۲۰ برابر با ۲۹/محررم/۱۴۰۹ شماره ۲۶۹۲، سال دهم .

«...۲- در سوال دوم (یعنی در مورد شطرنج) سائل محترم از کجا ادعا می‌کند که امروز شطرنج آلت قمار بودن خود را از دست داده و تنها ورزش فکری شده است؟!»

مرحوم امام نیز در جواب نامه آقای قدیری مطالبی را بیان فرمودند. از جمله در مورد شطرنج اینچنین فرمودند: «.. اما این که نوشته اید از کجا سائل به دست آورده شطرنج به کلی آلت قمار نیست، این از شما عجب است، چون سوال ها و جوابها فرض است و بنابراین آنچه را من جواب داده‌ام در فرض مذکور است که اشکالی متوجه نیست و در صورت عدم احراز باید بازی نکنند..»^{۱۶۱}

تشریح پاسخ امام در مورد شطرنج

با دقت و تامل در سوال و جوابهای مذکور به خوبی روشن می‌شود که امام راحل (ره) فقط در یک فرض بازی با شطرنج را تجویز فرموده‌اند و آن در صورتی است که بازی شطرنج به طور کلی آلت قمار بودن خود را از دست داده باشد و تنها به عنوان یک ورزش فکری از آن استفاده گردد که در این صورت بازی با آن بدون برد و باخت اشکالی ندارد.

همانطور که در ابتدای بخش پنجم متذکر شدیم حلیت شطرنج در فرض مذکور تقریباً مورد اتفاق همه فقها و مراجع تقلید است زیرا در همان جا گفتیم: حرمت شطرنج مبتنی بر آلت قمار بودن است. بنابراین اگر فرض شود روزی این عنوان زائل گردد و شطرنج از آلت قمار بودن خارج گردد و به عنوان یک ورزش و بازی فکری درآید حرمت منتفی خواهد شد و در این صورت همه علما قائل به جواز هستند.^{۱۶۲}

در همانجا این نکته را نیز متذکر شدیم که خروج شطرنج از آلت قمار متوقف بر تحقق دو شرط اساسی است که هیچ کدام در مورد شطرنج تحقق پیدا نکرده است

^{۱۶۱} روزنامه جمهوری اسلامی، چهارشنبه ۱۳/۷/۱۳۶۷ برابر با ۲۳/صفر/۱۴۰۹ شماره ۲۷۱۲، سال دهم.
^{۱۶۲} البته مخفی نماند که از ظاهر کلمات عده قلیلی از فقها چنین برمی‌آید که شطرنج را فی نفسه حرام دانسته‌اند به طوری که حرمت آن را دائر مدار آلت قمار بودن ذکر نکرده‌اند و لکن شاید بتوانیم اطلاق کلمات آنان را منصرف به عنوان مزبور _ آلت بودن - بدانیم والله العالم.

اول این که در هیچ کشور و مجتمعی قمار با آن متعارف نباشد و به عنوان آلت قمار محسوب نگردد چنانکه تصریح به این شرط را در بعضی از فتاوا در صفحات گذشته ملاحظه کردید علاوه بر این وقتی از حجه الاسلام قرهی - یکی از اصحاب استفتای مرحوم امام (ره) در این باره سوال شد ایشان در جواب گفتند: منظور امام (ره) در سطح جهانی است یعنی در هیچ کشوری آلت قمار نباشد.

شرط دوم این بود که باید خروج این بازی از آلت قمار بودن به طور قطع و یقین ثابت گردد و صرف گمان و احتمال کفایت نمی‌کند همچنان که در جواب امام راحل به آقای قدیری به این شرط تصریح شده است:

«...در صورت عدم احراز (احراز یک مطلب یعنی قطع و یقین به آن داشتن) باید بازی نکنند»

بنابراین همانطور که ملاحظه شد مرحوم امام (ره) در فرضی که فقط با دو شرط اساسی تحقق پیدا می‌کند حکم به حلیت شطرنج فرموده‌اند و این حکم مطابق با قواعد فقهیه است و شاید اگر سوال مذکور از اکثر علمای بزرگوار پرسیده شود همان جواب امام باشد.

آنچه که بسیار مهم است این است که آیا واقعا این دو شرط تحقق پیدا کرده تا بگوییم بازی با شطرنج جایز است؟ آیا به صرف اینکه از بازی شطرنج و مسابقات آن در مجامع فرهنگی کشور تبلیغ می‌شود میتوان گفت که درهمه جای دنیا و تمامی کشورها آلت قمار بودن خود را از دست داده و به صورت یک بازی فکری درآمده است؟ آیا معیار و ملاک در فهم معارف و احکام دینی سازمانهای فرهنگی و یا رسانهای صوتی و تصویری هستند؟

وقتی از مقام معظم رهبری سوال شد که:

«آیا از تایید برگزاری مسابقات شطرنج توسط سازمان تربیت بدنی معلوم می‌شود که شطرنج جزء آلات قمار نیست؟ و آیا جایز است مکلف به آن اعتماد کند؟»

ایشان در جواب فرمودند:

«معیار در تعیین موضوعات احکام تشخیص خود مکلف و یا اقامه دلیل شرعی بر آن نزد خود اوست»^{۱۶۳}

آیا کسانی که این تهمت ناروا را به امام راحل نسبت داده و با شعار این که امام خمینی شطرنج را حلال کرده آنرا در مجامع فرهنگی کشور داخل کردند و مسابقات مفصلی را در این زمینه ترتیب دادند و ... درحالی که امام مرحوم فقط در فرض سوال به حلیت آن حکم فرموده بودن آن هم با نبودن برد و باخت که تحقق آن بسیار مشکل است - آیا اینان هدفی جز خدشه دار کردن مقام مرجعیت و وهن احکام مقدس اسلامی داشتند؟ آیا میتوان پذیرفت که یک فقیه متقی و وارسته که سالهای متمادی به کار اجتهاد و استنباط اشتغال داشته حرام قطعی خدا را حلال اعلام نماید؟ و آیا معتقد نیستیم که :

حلال محمد حلال الی یوم القيامة و حرامه حرام الی یوم القيامة^{۱۶۴}

حلال پیغمبر اکرم حلال است تا روز قیامت و حرام او حرام است تا روز قیامت.

آیا قبول نداریم که قوانین و برنامه های اسلامی همانند دارویی است که پزشک حاذق برای مریض خود تعیین می کند و تاثیر آن منوط به استفاده از همه مواد آن است؟

پس چرا آنچه را که با هوای نفس ما سازگار است با چشم و گوش بسته می پذیریم و هرآنچه را که با مذاق ماناسازگار است انکار می کنیم؟

«افتومنون ببعض الکتاب و تکفرون ببعض»^{۱۶۵}

آیا به برخی از احکام قران ایمان می آورید و به بعضی کافر می شوید؟
بگذاریم و بگذریم که درد دل فراوان است .

^{۱۶۳} خامنه ای، علی، اجوبه الاستفتاءات، ترجمه احمد رضا حسینی، انتشارات بین المللی الهدی، تهران، ۱۳۸۴،

چاپ هشتم ص ۲۶۴ سوال ۱۱۱۹

^{۱۶۴} . مجلسی ، محمد باقر، بحار الانوار، ۲/۲۶۰ و ۱۶/۳۵۴.

^{۱۶۵} . سوره بقره: ۸۵

از همه اینها گذشته استفتائات دیگری از مرحوم امام (ره) در دست است که در آنها به طور مطلق به حرمت شطرنج تصریح گردیده است که توجه خوانندگان محترم را به آنها جلب می‌کنیم:

الف) آیا در اسلام شطرنج حرام است؟ جواب: حرام است

ب) اگر شطرنج بدون پول باشد آیا باز هم حرام است؟ جواب: حرام است.

ج) بازیهای سرگرم کننده ولی بدون شرط بندی مانند شطرنج و تخته نرد و غیره چگونه است؟

جواب: بازی با آلات قمار مطلقاً حرام است.^{۱۶۶}

دکتر مظلومی، استاد علوم تربیتی در یکی از تالیفاتش می‌نویسد:

چه گوشه‌های بیکاره‌ها تیز شد وقتی که فتوایی گرفته شد برای بازی شطرنج!

بگذریم از آن که حکم و فتوا را نفهمیده گذاشتند و با خیال خود تعبیری از «جوازبازی» کردند و فرض را چنان شمردند که در عرف مردم عالم «برد و باخت» ندارد و صرفاً بازی و تفریح و یا وسیله‌ای از «ریاضیات ذهنی» است. درحالی که شطرنج نمایشی از یک نبرد قدیم طاغوتی است نه فقط تجسم «برد و باخت» شرط قطعی و لازم آن است بلکه نمایش غلبه و شکست و نمود «حیات و مرگ» اقتضای طبیعت آن می‌باشد. نیامدند که چنین فرض کنند: می‌خواهیم به فرزندانمان رویه نبرد مقبول مکتب را گرچه با شمشیر و نیزه باشد بیاموزیم، و یا پسندهای مردان مسلمان را در غزوه‌هایی که به رهبری ویا با حضور امامی معصوم و یا نماینده امام اجرا شده‌اند عرضه بداریم میمنه و میسره‌ای و قلب سپاه تشکیل دهیم

خوشبختانه کتابهای خوبی درباره غزوات مسلمین (بویژه صدر اسلام) نوشته شده است و طرح‌های میدان و نحوه رزم و نقشه‌های جنگی آن را گاه افسران ارتش بیان کرده‌اند. چرا این تغییر لطیف و آموزنده را ندادیم تا طرحی مناسب فراهم کرده باشیم.

^{۱۶۶} خمینی، روح الله، استفتائات، ج ۲، صص ۱۰ و ۹

مگر واضع شطرنج یک آدم نبود؟ تو هم یک آدم هستی با ادعای آنکه قرن ها از او بیشتر تجربه و فهم افزوده‌ای اقدامی کن و تغییری با حفظ اساس بده و آنگاه اجرا کن.^{۱۶۷}

استفتائات پیرامون شطرنج از سایر مراجع تقلید

در پایان این بخش لازم می‌دانیم فتاوی بعضی از مراجع عظام تقلید را در مورد شطرنج ذکر کنیم تا شاهدی گویا برای اثبات مطالب گذشته باشد.

آیه الله العظمی خوئی

اللعب بالات القمار كالشطرنج و .. مما اعد لذلك حرام مع الرهن و يحرم اخذ الرهن ايضا و لا يعلمكه الغالب و يحرم اللعب بها اذا لم يكن رهن ايضا.^{۱۶۸}

بازی با آلات قمار مثل شطرنج و امثال آن آلاتی که برای قمار مهیا گردیده حرام است با شرط بندی و گرفتن پولی که از راه شرط بندی به دست آمده نیز حرام است و شخص برنده مالک آن نمی‌شود و همچنین بازی با آن اگر شرط بندی هم نباشد حرام است .

آیه الله العظمی تبریزی

بازی با آلات قمار چه با برد و باخت مالی باشد یا بدون آن جایز نیست و شطرنج تا وقتی که محرز نشود از آلات قمار بودن خارج شده به طوری که در هیچ مجتمعی قمار با آن متعارف نباشد بازی با آن چه با برد و باخت باشد و یا بدون آن ، جایز نبوده و حرام است .^{۱۶۹}

۳) آیه الله العظمی وحید خراسانی

^{۱۶۷} . مظلومی ، رجبعلی ، بازنگری بر فعالیت‌های بدنی، ص ۱۰۷ .
^{۱۶۸} . خوئی ، ابوالقاسم ، منهج الصالحین ؛ انتشارات مهر، قم ، ۱۴۱۰ق، چاپ بیست و هشتم، ۷/۲ .
^{۱۶۹} . محمودی ، محسن ، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید ، انتشارات ناصر، قم، ۱۳۷۹، چاپ دوم ، ص ۱۹۰ .

بازی کردن با آلات قمار مثل شطرنج ، نرد ، پاسور ... با برد و باخت حرام قطعی است و بدون برد و باخت بنا بر احتیاط و اجب جایز نبوده و حرام است.^{۱۷۰}

(۴) آیه الله العظمی فاضل لنکرانی

بازی با آلات قمار مطلقا (چه با شرط بندی و برد و باخت و چه بدون آن) حرام است.^{۱۷۱}

(۵) آیه الله العظمی سیستانی

شطرنج مطلقا حرام است و پاسور اگر همچنان در عرف قمار باشد بازی با آن بدون برد و باخت به احتیاط واجب جایز نیست.^{۱۷۲}

(۶) آیه الله العظمی صافی گلپایگانی

مطلقا حرام است.^{۱۷۳}

(۷) آیه الله العظمی بهجت

با برد و باخت حرام قطعی است و بدون برد و باخت به احتیاط شدید حرام است.^{۱۷۴}

(۸) آیه الله العظمی مکارم شیرازی

اگر شطرنج در عرف عام از صورت قمار خارج شده باشد و به عنوان ورزش شناخته شود مانعی ندارد.^{۱۷۵}

(۹) آیه الله العظمی سید محمدشاهرودی

^{۱۷۰}. شرط بندی و قمار (شطرنج) از نشریه مذهبی نور، ص ۱۳.

^{۱۷۱}. م محمودی ، محسن ، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ص ۱۸۹.

^{۱۷۲}. همانجا

^{۱۷۳}. همان ، ص ۱۹۰

^{۱۷۴}. همانجا

^{۱۷۵}. بنی هاشم خمینی ، محمد حسن ، توضیح المسائل مراجع، ۸۰۲/۲.

با برد و باخت جایز نیست و بدون برد و باخت احتیاط و جویی بلکه اظهر ترک است.^{۱۷۶}

۱۰) مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه‌ای

بازی با آلات قمار بدون برد و باخت هم حرام است و بازی شطرنج اگر در سطح جهانی آلت قمار نباشد بدون برد و باخت اشکال ندارد.^{۱۷۷}

آیا تا کنون از طرف مقام معظم رهبری که ایشان را به عنوان یک رهبر ورزش دوست می‌شناسیم تاییدی نسبت به مسابقات شطرنج و یا قهرمانان شطرنج باز کشوری و غیر و یا حتی درباره شطرنج و تایید آن شنیده شده است؟

و اصولاً کدام یک از علما موجود حتی پس از شایعه جواز شطرنج از طرف امام راحل شطرنج را جایز دانسته و یا به هر شکلی تایید نموده‌اند؟

استفتائات در مورد شطرنج با کامپیوتر

۱) آیه الله العظمی صافی گلپایگانی

« در حرمت شطرنج فرقی بین بازی با کامپیوتر و غیر آن نیست ^{۱۷۸} »

۲) آیه الله العظمی سیستانی

« حرام است حتی اگر طرف خود کامپیوتر باشد به احتیاط واجب. ^{۱۷۹} »

۳) مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه‌ای

^{۱۷۶} . حسینی شاهرودی ، محمد ، مسائل المغتربین ، موسسه آل المرتضی ، قم ریال ۱۴۲۴ ق.

^{۱۷۷} . محمودی ، محسن ، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید ، ص ۱۸۹

^{۱۷۸} . شرط بندی و قمار (شطرنج) از نشریه مذهبی نر ، ص ۲۱ .

^{۱۷۹} . استفتاء از : سایت معظم له : www.sistani.org

در جواب این سوال که بازی با آلات قمار از طریق کامپیوتر چه حکمی دارد: «حکم بازی با آلات قمار را دارد»^{۱۸۰}

(۴) آیه الله العظمی تبریزی

بعید نیست بدون برد و باخت جایز باشد . والله العالم.^{۱۸۱}

(۵) آیه الله العظمی سید محمد شاهرودی:

«اگر بازی شخص مقابل داشته باشد احتیاط واجب اجتناب از آن و اگر شخص مقابل وی کامپیوتر باشد احتیاط مستحب ترک آن است»^{۱۸۲}

(۶) آیه الله العظمی مکارم شیرازی

اگر شطرنج در عرف از صورت قمار خارج شده باشد و به عنوان ورزش فکری شناخته شود مانعی ندارد خواه با کامپیوتر باشد یا غیر آن.^{۱۸۳}

چکیده بخش ششم

آیا امام راحل شطرنج را تجویز کرده‌اند؟

یکی از ترفندهای دشمن در مبارزه علیه دین از دیرزمان منحرف نمودن فتاوی علمای مسیر و معنای صحیح آن است تا بدین وسیله بتواند مرزهای ممنوعه دین را یکی پس از دیگری بگشاید.

^{۱۸۰}. خامنه‌ای ، علی ، اجوبه الاستفتائات ، ص ۲۶۶ ، سوال ۱۱۲۵.

^{۱۸۱}. خویی، ابوالقاسم ، صراط انجاه ، با تعلیقات جواد تبریزی، دارالاعتصام، قمریال ۱۴۱۷ق. القسم الثانی،

سوال ۱۶۳۸، ص ۵۲۱.

^{۱۸۲}. استفتاء از: سایت معظم له : www.shahrudi.net

^{۱۸۳}. مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات جدید، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، قم ، ۱۳۸۱، چاپ

سوم، ۲۳۸/۲.

با عنایت به این که استفتائات چندی از امام راحل در رابطه با شطرنج در دست است که مطلقاً آنرا حرام می‌دانند اما این بار سوالی مشروط و با فرض های احتمالی به محضر امام عرضه می‌شود که درخور آن نیز جواب داده می‌شود.

دقت کنید! در سوال و جواب چهار شرط و فرض احتمالی وجود دارد . اما در سوال:

۱- اگر شطرنج آلت قمار بودن خود را از دست بدهد

۲- به عنوان ورزش فکری استفاده شود.

۳- بازی با آن و نه قمار با آن

چه حکمی دارد؟

و اما جواب امام راحل بر فرض مذکور (احراز سه شرط موجود در سوال)

۴- اگر برد و باختی در بین نباشد اشکالی ندارد

و متأسفانه افراد ناآگاه و بعضاً فرصت طلب تمام شروط و فرض های احتمالی را حذف نموده و تنها جمله آخر را از زبان مرحوم امام بازگو می‌کنند و بدین شکل شایعه تجویز شطرنج از ناحیه امام شکل می‌گیرد.

و چه زیباست سخن یکی از اساتید دانشگاه در این رابطه :

چه گوشه‌های بیکاره ها تیز شده وقتی فتوایی گرفته شد برای بازی شطرنج! بگذریم و بگذریم...منتظر باشیم تا نقشه جدید دشمن.

برای دانلود کتاب **راز موسیقی**

اثر همین نویسنده به سایت

www.softgozar.com

مراجعه کنید.